

آذربایجان

ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۰۰ اسفند ۱۳۹۱

تعمیق بحران - حاکمیت چند پارچه - صف آرایی مردم

ماه اسفند هم به پایان رسید. چندماهی است که رقابت های انتخاباتی در عمل شروع شده است. انتخابات مجلس نهم تمام نشده، صف بندی های رقبا برای انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم شکل گرفت. مدعیان اصول گرایی باز تقسیم قدرت سیاسی و امکانات ویژه خواری، در بیان برنامه ها و گزینه نهایی خود برای ریاست جمهوری، هم چنان این پا و آن پا می کنند. به عبارت دقیق تر پس از هشت سال ویران سازی، امروز در یافتن کاندیدایی که هم در قد و قواره بحران همه جانبه داخلی و خارجی باشد و هم حافظ منافع تنگ نظرانه و ضد مردمی آنان، در مانده اند. تنها موردی که همه بر سر آن اتفاق نظر دارند، اوضاع انفجار آمیز کشور است. پس از شورش کشاورزان اصفهانی، یک سایت نزدیک به مواضع هاشمی رفسنجانی نوشت: بسیاری از مردم ایران بالقوه مانند کشاورزان اصفهانی دارای زمینه انفجار هستند. در همین ارتباط هر آنچه که گماشتگان رژیم تحت عنوان فتنه، در باره اش هشدار می دهند، در واقع اشاره به همین وضعیت بحرانی است.

ناصر شعبانی، جانشین رئیس دانشگاه امام حسین طی تحلیلی چنین عنوان کرده است: مسائل معیشتی که عوامل مختلفی مثل سوء مدیریت و تحریم و غیره در آن دخیل هستند، ممکن است در فراوانی نا رضایتی ها اثر بگذارد و بعید نیست که بستر اقتصادی آماده باشد و در زمان انتخابات نیز سیاسی ها بخواهند از آن استفاده کنند.

سردار نظری فرمانده سپاه انصار خراسان جنوبی گفته است که اگر آستانه تحمل مردم پایین باشد، برد با دشمن است. فیروز آبادی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح هشدار داده است که فتنه 92 ممکن است جریانات انحرافی، پرچم ولایت، عدالت و آزادی بلند کنند. ادامه در ص ۲

پیام تبریک فرقه دمکرات آذربایجان بمناسبت فرارسیدن سال 1392



هوطنان گرامی!

فرقه دمکرات آذربایجان فرا رسیدن نوروز سال 1392 را به شما تبریک و تهنیت گفته و برای همه خلقهای ساکن ایران بالاخص خلق قهرمان آذربایجان آرزوی شاد کامی و موفقیت دارد.

نوروز می نوازد روح از نسیم اسحاق خورشید می درخشد بر چشمه های کهسار
دوشیزگان نوروز سر در چمن کشیده در برقیای گلبرگ، بر سرکلاه گلنار

محمد حسین شهریار

جشن نوروزی مصادف است با اولین روز فصل بهار. بهار آغاز شکوفایی، زایش طبیعت و رویش گل و سبزه است، آغاز نشدن و وداع با گذشته کهنه و کهنه پرستی است. آغاز آفرینش زندگی سرشار از شور و شادمانی است. نیاکان ما این روز را از آن جهت بسیار گرامی داشته اند که کرختی را از تن گرفته و رخت کهنه و چرکین تن و روان را به دور می ریزد. تا جای آن را پاکیزگی، شادابی و میل به زندگی وزنده بودن پر کند.

ادامه در ص ۳

هوگو چاوز آرمانخواهی وطنپرست



مرگ هوگو چاوز رئیس جمهور ونزوئلا در جهان با تأثر عمیق مردم رویرو شد. چاوز آرمانخواهی وطن پرست بود که با روی کار آمدنش تمام قدرت خود را بکار برد تا با فقر و فاقه ای که دولت ها قبل او برای مردم ونزوئلا به جا گذاشته

بودند به مبارزه بر خیزد. او طی سیزده سال دوران ریاست جمهوری خود برنامه های خاص و جدیدی را برای بهبود وضعیت زحمتکشان و فشار متوسط به اجرا در آورد. تامین کار برای بیکاران، تامین مسکن برای بی خانمانان، آموزش رایگان و بهداشت و درمان رایگان برای همه از جمله اقداماتی بود که انجام داد. اقدامات مبتکرانه و متهورانه چاوز باعث شد تا اقتصاد ونزوئلا به یک باره دگرگون شود و وضعیت معیشتی مردم به خصوص زحمتکشان بهبود یابد. به همین دلیل علاقه و توجه توده های مردم نسبت به وی هر روز بیشتر می شد. ادامه در ص ۳

در این شماره

- گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن ص ۴
- زبان مادری... ص ۵
- آذربایجان دموکراتیانین مدافعه سی اوغروندا ص ۶
- اعتراض جامعه کارگری... ص ۷
- بحران دریای خزر... ص ۹
- دئموکراتیانین مدافعه سینه دایر ص ۱۳
- عارف صفا خلقین مبارز قیزی ص ۱۴
- نامه اعتراضی کارگران ص ۱۶

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

تعمیق بحران - حاکمیت چند پارچه - صف آرای مردم

شود. تصادفی نیست که مصباح یزدی و دیگر مشاطه گران ریز و درشت رهبر رژیم، دولتهای 24 سال گذشته، رفسنجانی، خاتمی، اصلاح طلبان، رهبران جنبش سبز و همه منتقدان وضع موجود را دشمنان ولی فقیه و بر انداز نامیده اند.

در میان وجوه سیاسی، مدیریت انتخابات، پدیده احمدی نژاد و دولت انحرافی اش جای ویژه ای یافته است. خامنه ای، بیت رهبری و هم دستان نظامی - امنیتی اش در آغاز ماجرای رئیس جمهور و ناسازگاری هایش شاید بی میل نبودند که آن را به فرصتی برای گرم کردن تنور انتخابات میان اصول گرایان بدل کنند. اما حوادث مجلس و عتاب و خطاب خامنه ای به احمدی نژاد نشان داد که رئیس دولت برگزیده رهبر آماده است در صورت تامین نشدن خواسته هایش برای پروروندگان خود مساله ساز شود. به همین خاطر پروژه بنی صدری کردن احمدی نژاد کلید خورد تا با یک شبیه سازی بدون ماخذ، ضمن ترساندن او از سرانجام نا مبارک سرکشی هایش، بلکه عاقبت خیری را برای رهبر دست و پا کنند. حوادث جاری نه فقط شخص ولی فقیه را به چالش گرفته است، بلکه ساختار ولایت فقیهی رژیم را نیز در معرض آزمون دشواری قرار داده است. از شواهد چنین بر می آید که اقداماتی در راستای خروج از این دشواریها در جریان است. چندی پیش سردار جعفری فرمانده سپاه پاسداران از مرحله سوم تکوین دولت اسلامی صحبت بمیان آورد. در جلاس اخیر مجلس خبرگان گفته شد که بررسی طرح رهبری برای ایجاد جمهوری پارلمانی در دستور کار خبرگان قرار گرفته است. محسن رفیق دوست رئیس پیشین بنیاد مستضعفان و از محارم بیت رهبری نیز در این باره اظهاراتی داشته است، که بیشتر گویای ماهیبت سیاسی - مهندسی انتخابات است. او گفته است که در انتخابات ریاست جمهوری، مردم رئیس جمهور را انتخاب نمی کنند، بلکه از میان چند نفر یکی را به رهبری پیشنهاد و انتخاب با رهبری است. یکسال و اندی از زمانی که نخستین بار خامنه ای از امکان تغییر قانون اساسی و ایجاد جمهوری پارلمانی خبر داد، می گذرد. البته در شرایط کنونی بعید است که کسی و یا جریانی به فکر ضرورت تغییر ساختار سیاسی رژیم باشد. انجام این مهم به مقدمات زیادی احتیاج دارد که تحقق آن ها قطعا تا زمان برگزاری انتخابات پیش رو ممکن نیست. اینکه سردمداران رژیم زود هنگام به تبلیغ درک و دریافت و مقاصد خود از تغییر ساختار بر آمده اند، بی تردید ناظر بر اهداف مقطعی مشروط به اوضاع و احوال جاری است. تجربه هشت ساله ظهور و سقوط احمدی نژاد که در عین حال تجربه بی بصیرتی و ناتوانی رهبر رژیم از تشخیص و اداره روندهای ویران گرانه بوده است، مسائل سیاسی ناهم سازی را بوجود آورده است. از یک طرف جلب آرای مردم برای تصاحب کرسی ریاست جمهوری بدون نمایش شکلی از استقلال رای و برانگیزگی از ولی فقیه مشکل شده است. از طرف دیگر باندهای قدرتمند نظامی - امنیتی رانتخوار که کنترل صندوق های رای را از همین حالا بدست گرفته اند، هم چنان ترجیح میدهند که زیر سایه ولایت فقیه حکومت کنند و لذا از هر مدعی رقابت تسلیم بدون قید و شرط را می طلبند. بنا براین به نظر می رسد اظهارات و اقدامات پیش گفته مقامات حکومت تلاشی باشد برای رفع این تضاد و تراشیدن یک توجیه حقوقی برای مدیریت انتخابات پیش روی. انگار که قانون اساسی را مطابق میل خود تغییر داده اند. و غیر از ولایت فقیه و حکومت اسلامی، اثری از جمهوریت نظام باقی نمانده است. زهی خیال خام.

فیروز آبادی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح هشدار داده است که فتنه 92 ممکن است جریانات انحرافی، پرچم ولایت، عدالت و آزادی بلند کنند. و از ای دادستان کل رژیم نیز پیش بینی کرده است که فتنه گران این بار با شعار عدالت، مقابله با فساد و حمایت از پاره ها با صحنه می آیند. اظهاراتی از این دست فضای رسانه ای کشور را انباشته است.

هر چند غرض اصلی از این فتنه یابی ها ترساندن منتقدان و مخالفان است و یا به نیت از میدان بدر کردن حریفان عنوان می شود. اما در عین حال تائیدی بر خرابی اوضاع و غیر قابل پیش بینی بودن چگونگی سیر حوادث تا انتخابات است. بر واضح است که در چنین شرایطی انتظار اینکه مردم فقط بعنوان داور بی طرف کشمکش های درون حکومتی، به پای صندوق های رای بیایند، انتظار بیهوده ای است. آنچه بر نگرانی گردانندگان حکومت می افزاید نتایج نظر سنجی های حکومتی دال بر تشدید روند رویگردانی مردم از رژیم و کاندیداهای احتمالی اش و بموازات آن استقبال از حضور آن دسته از اصلاح طلبان و تحول خواهانی است که دغدغه آنان از شرکت در انتخابات، فقط دریافت سهم نا چیزی از قدرت، بهر قیمت نیست. اگر اوضاع بر همین قاعده پیش برود، هزینه حاکمیت در جمع و جور کردن انتخابات چندان بالا خواهد گرفت که معلوم نیست بتواند از عهده اش بر آید. بنا بر همین ملاحظات است که برای آنان رویکرد مهندسی انتخابات از همین حالا به امری تاخیر ناپذیر بدل شده است و از سوی ارگانهای ذیربط امنیتی و سیاسی آشکار و مصرانه پی گرفته می شود. آن چنان که خود می گویند در نظر دارند که واقعه را قبل از وقوع علاج کنند.

تلقی امنیتی از روندهای سیاسی در کشور موضوع تازه ای نیست. این روش به ویژه پس از کودتای انتخاباتی سال 88 بر تمامی حیات سیاسی و اجتماعی کشور سایه انداخته است. در زندان نگه داشتن رهبران جنبش سبز و دهها مبارز اجتماعی دیگر گواه این امر است. اما دور تازه بگیر و به بندهای روزهای اخیر دقیقا با تقلاهایی در ارتباط است که می خواهد سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری 92 را طوری دیگر رقم بزند. دستگیری جمعی از روزنامه نگاران و شناسایی 600 روزنامه نگار داخل و خارج توسط وزارت اطلاعات به اتهام رابطه با ضد انقلاب خارج، بستن چند روزنامه و تعطیلی سایت های خبری، احضار و بازجویی فعالان سیاسی و تهدید آنان جهت دوری جستن از فعالیت انتخاباتی، جلوگیری از گردهمایی ها و همه و همه توأم با ترسی است که گزمگان رژیم ولایت فقیه به منظور ممانعت از فرارویی حرکت های اعتراضی مردم علیه تورم، گرانی، بیکاری، تنگناهای معیشتی و اجتماعی، ورشکستگی تولید و فلاکت اقتصادی، به حرکتی معطوف به تغییرات پر دامنه تر سیاسی، در پیش گرفته اند. جهت سیاسی مهندسی انتخابات در شرایط کنونی بطور عمده ناظر بر تحکیم مواضع ولی فقیه است. انتخابات ریاست جمهوری این دوره بیش از موارد مشابه در 24 سال گذشته، به مراسم رای اعتماد به خانه شیشه ای شبیه شده است. اینکه مهدوی کنی در سخنرانی آغازین اجلاس خبرگان رهبری متفاوت تر از گذشته به وظایف نظارتی مجلس خبرگان بر رهبری هم اشاره کرده است و به تلویح حفظ نظام را مهمتر از تسویه حساب با ولی فقیه می شمارد، از موقعیت متزلزل خامنه ای خبر می دهد. اکنون وضعیت به گونه ای است که هیچ طرح و نقشه ای برای برون رفت از بحران جاری دقت منطقی نمی یابد، مگر اینکه نقش اقتدارگرایانه و مخرب ولی فقیه در شکل گیری و بروز حوادث به باد انتقاد گرفته

پیام تبریک فرقه دمکرات آذربایجان بمناسبت فرارسیدن سال 1392

آذربایجانی های غیور!

امسال در شرایطی به استقبال جشن سال نو می رویم که هنوز غبار حادثه زلزله ویرانگر که باعث کشته شدن صدها تن و تخریب هزاران خانه در آذربایجان شد، از چهره ها زوده نشده است. کمک و فداکاری بی دریغ شما زنان و مردان آذربایجانی در زمان زلزله، باعث شد تا جان بسیاری نجات یابد و نجات یافتگان با تامین آذوقه، دارو و سرپناه موقت از حوادث ناگوار پس از زلزله، محفوظ بمانند. انتظار می رود همانطور که شما در غم و اندوه آسیب دیدگان زلزله یار و غمخوار آنها بوده اید، شادی و جشن نوروزی را نیز به میان آنها ببرید و در شادی آنها شریک شوید. برای شما موفقیت روز افزون آرزو مندیم.

یک بار دیگر این روز فرخنده را به شما تبریک گفته و برای همه آرزوی موفقیت و بهروزی و شادکامی داریم. باشد تا نوروز سراغازی شود برای پیروزی بر پلیدی ها و زشتی ها و آغازی باشد برای تحقق آرزوها و آرمان های انسانی هموطنان عزیز!

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

اول فروردین 1392

تاریک اندیشان حاکم بر کشور همانند اسلاف خود، به عبث کوشیده اند تا جشن و پایکوبی ایام نوروزی را از مردم ایران بگیرند. طبیعی است که در این مصاف نه تنها موفق نشده و نخواهند شد، بلکه در پاره ای از موارد مجبور به عقب نشینی و تمکین به خواست و اراده مردم نیز شده اند.

سیر حوادث ناگواری که در طول تاریخ، بخصوص در سده های اخیر بر سرنوشت آداب و سنن ملی کشورمان از جمله سنن نوروزی گذشته است، خود یکی از شگفتی ها و عجایبی است که رمز و راز ماندگاری آن، تنها در سایه عرق ملی و اعتقاد به سنن و آدابی است، که از نیاکان ما به ما ارث رسیده است، حفظ و صیانت از سنن آبا و اجدادی که با حفاظت از استقلال و فرهنگ غنی ما عجین شده است، وظیفه همه بوده و خواهد بود. دشمنان هر خلق و کشوری زمانی ممکن است بر سرنوشت آن خلق مستولی شوند که بتوانند ریشه های فرهنگی - مدنی و خصوصیات ملی آن ملت را بخشکانند. اینکه در پس قرن ها نشیب و فرازها و تهاجم و یورش های بی امان دشمنان خارجی و ارتجاع داخلی، موفق نشده اند مردم ایران را بزانو در آورند و اراده خود را بر آن مستولی کنند. باید در اعتقاد راسخ این مردم به استقلال - آزادی و حفظ آداب و سنت های ملی ایشان دانست. ماندگاری سنن نوروزی را نیز باید از همین زاویه دید و بر تداوم آن تاکید داشت.

هوگو چاوز آرمانخواهی وطنپرست

تا جایی که طرفدارانش او را "قهرمان سوسیالیستی" و یا "پدر" خطاب می کردند.

پیش از رئیس جمهوری هوگو چاوز، در نیمه دهه هشتاد وام گیری های خارجی ونزوئلا به شدت افزایش یافته بود و اقتصاد آن با بحران روبرو بود. وخامت اوضاع اقتصادی به گونه بود که میزان تورم تا 100 در صد و فقر عمومی 66 در صد افزایش یافته بود. با روی کار آمدن هوگو چاوز بعنوان رئیس جمهور از سال 1999 تا امروز، نا برابری در آمدها بتدریج کاهش یافت. تا جاییکه بر اساس شاخص های در آمدهای خانوار، در حال حاضر منصفانه ترین توزیع در آمد در آمریکای لاتین از آن ونزوئلا می باشد. "ارتور فرانکو" کارشناس مرکز توسعه بین المللی دانشگاه هاروارد، اقتصاد ونزوئلا را پنجمین اقتصاد بزرگ آمریکای لاتین میدانند. برپایه یک گمانه زنی توسط سازمان نظرسنجی آمریکایی "گالوپ"، مردم ونزوئلا در فهرست «خوشحالترین ملت های جهان» در ردیف پنجم قرار دارند. هوگو چاوز زمانی که در انتخابات ریاست جمهور پیروز شد. اقداماتی از این قبیل را در برنامه خود گنجانده:

- برنامه برای ساخت و ساز سه میلیون خانه تا سال 2018 برای زحمتکشان و اقشار کم در آمد
- تامین بهداشت و سلامت مردم زحمتکش. برای تحقق این هدف دهها مراکز بهداشت و درمان به کمک صدها پزشک کوبایی ایجاد کرد.
- از معلمان کوبایی نیز یاری گرفت تا همراه معلمان ونزوئلایی به مبارزه با بیسوادی کودکان محلات فقیر نشین بشتابند.
- با ملی کردن صنایع، گسترش صنایع تولیدی و کشاورزی، ساختمان سازی و بخش خدمات برای تعداد کثیری از بیکاران کار ایجاد کرد.
- در حوزه کشاورزی به یاری دهقانان شتافت. دهها هزار هکتار زمینی که از شرکت های چند ملیتی باز پس گرفته بود، به دهقانان بی زمین مشتاق کار واگذار کرد.
- برق رسانی به مناطق فقیر نشین و دور از دسترس را به سرعت در دستور کار قرار داد.

- از مهمترین اقدامات چاوز کوتاه کردن سلطه شرکت های چند ملیتی مانند "اکسون موبیل" و "کونوکوفیلپس" از نفت ونزوئلا بود. در این مبارزه بسیار دشوار، سرانجام چاوز موفق شد تا در سال 2007 نفت را ملی کند.

- سیاست خارجی چاوز سیاستی ضد امپریالیستی و عدالتجویانه بود. در مجامع بین المللی و بویژه در اجلاس کشورهای تولید کننده نفت "اوپک" نقش فعال و مثبتی اجرا کرد. هدف چاوز از تمام کارهایش از بین بردن بی عدالتی و نا برابری در ونزوئلا بود. این قبیل اقدامات در حالی که بحران اقتصادی گریبان بسیاری از قدرتمندترین کشورهای سرمایه داری را گرفته بود، به "معجزات اقتصادی" چاوز معروف شده است.

مرگ نا به هنگام هوگو چاوز با واکنش های متفاوتی در داخل ونزوئلا و جهان روبرو شد. بسیاری از مردم جهان بخصوص میلیونها شهروند ونزوئلایی به شدت متأثر شدند و گریستند. میلیونها نفر ونزوئلایی ساعت ها در صف انتظار ماندند تا با جسد رهبرشان وداع کنند. کارشناسان و محققین سیاسی بر این عقیده اند که، راه چاوز در ونزوئلا ادامه پیدا خواهد کرد. زیرا که اکثریت مردم این کشور بر راهی که چاوز پیش گرفته، اعتقاد عمیق دارند. چاوز با الهام از ایده های انقلابی و محبوبیت سیمون بولیوار، انقلابی آزادیخواه و ضد استعمار قرن نوزدهم، در پی ساختن یک جنبش توده ای مبتنی بر دموکراسی توده ای، استقلال اقتصادی، توزیع عادلانه در آمدها و پایان دادن به فساد سیاسی بود. و در این راه به شهادت دوست و دشمن به توفیقات چشمگیری هم نائل شد. تأثیر عملکرد سیاسی - اقتصادی چاوز از جغرافیای کشور ونزوئلا فراتر رفته و در بسیاری از کشورهای جهان، مخصوصا در کشورهای آمریکای لاتین بعنوان الگویی مثبت و کارآمد، بکار گرفته شده است و مورد اقبال زحمتکشان این کشورها نیز واقع شده است. به عبارتی دیگر از حمایت و پشتیبانی جهانی نیز برخوردار است. اما عده ای از کارشناسان غربی بر این باورند و یا امیدوارند که رئیس جمهوری بعدی نتواند مانند چاوز در مقابل تطمیع و تهدید کشورهای قدرتمند سرمایه داری مقاومت کند.

گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن

کارگزار گرفت. هر چه می گذشت خواستهای زنان شفاف تر و اتحاد و پیوندهایشان قوی تر می شد.

این جنبش عظیم توده ای که زنان سوسیالیست جهان در راس آن بودند با شروع جنگ جهانی اول، تمام نیروی خود را بر علیه جنگ بکار گرفتند. این بار شعار زنان در تظاهرات هشت مارس بر علیه جنگ و کشتار و ویرانی بود. با پایان گرفتن جنگ زنان نیروی خود را دوشادوش کارگران مرد و دیگر اقشار جامعه در سازندگی و ترمیم خرابی هایی که جنگ باعث شده بود بکار گرفتند. با پیروزی انقلابات رهایی بخش در بخشی از جهان که منجر به شکل گیری کشورهایی با نظام های دمکراتیک و سوسیالیستی شد، نیروی زنان به یک باره رهایی یافت و برای اولین بار زنان کشورهای سوسیالیستی حقوق سیاسی - اقتصادی و اجتماعی مساوی با مردان را بدست آوردند. دیگر در این کشورها توان و نیروی زنان نه در جهت بدست آوردن ابتدایی ترین حقوق انسانی که از طرف سرمایه داران و کارفرمایان پامال می شد، بلکه در جهت پیشرفت و ترقی و علم و دانش بکار گرفته شد.

با رشد جنبش حق طلبانه زنان در سراسر جهان، حمایت بی دریغ کشورهای سوسیالیستی از این جنبش، سرانجام سازمان ملل متحد سال ۱۹۷۵ را سال زنان اعلام کرد و دو سال بعد یونسکو هشت مارس را، بعنوان روز جهانی زن به رسمیت شناخت.

با وجود اینکه در بسیاری از کشورها روز جهانی زن برسمیت شناخته شده است، رهبران این کشورها به اشکال گوناگون تلاش دارند تا آن را از محتوای واقعی تهی کنند. از جمله در کشور ما رهبران واپسگرای جمهوری اسلامی فرصت طلبانه با تعیین یکی از روزهای مذهبی به عنوان روز زن، کوشیده اند تا از یک سو پیوند مبارزات زنان ایران و زنان جهان را جدا کنند و از سوی دیگر محتوای واقعی این مبارزات که برابری، آزادی و عدالت می باشد را بسوی اهداف زن ستیزانه و قرون وسطایی خود سوق دهند.

نقش بسزای زنان ایرانی در طول تاریخ بخصوص در جنبش های اجتماعی اخیر از صدر مشروطیت تا انقلاب بهمن بر کسی پوشیده نیست. از همین جاست که علیرغم تمام تلاش و کوشش رهبران جمهوری اسلامی، به باز گرداندن زنان به خانه، نقش اجتماعی زنان کشورمان هر روز که می گذرد چشم گیرتر می نماید. در سال های اخیر با توجه به تغییرات ایجاد شده در سطح جامعه (نقش چشمگیر زنان در علم و دانش و تولید) و رشد فرهنگی و سیاسی بیشتر مردم نسبت به حقوق زن، که در مبارزات دوشادوش دوران اصلاحات و جنبش سبز و هم چنین در اعتصابات و اعتراضات محیط های کار و ... بوجود آمده است، شرایط بهتری نسبت به گذشته برای حضور زنان در عرصه های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایجاد کرده است. این همان تناقضی است که سردمداران جمهوری اسلامی از حل آن عاجزند.

هشتم مارس (هفته اسفند) مصادف است با روز جهانی زن. نام گذاری این روز ریشه در مبارزات تاریخی قرن نوزدهم زنان کارگر آمریکایی دارد که برای احقاق حقوق نا دیده گرفته زنان از آن جمله افزایش دستمزد بپا خاستند. در چنین روزی در سال ۱۸۷۵ زنان کارگر کارخانجات نساجی نیویورک دست به تظاهرات اعتراضی زدند، که در نوع خود کم نظیر بود. دولت سرمایه داری آمریکا از این حرکت دستجمعی زنان به وحشت افتاد. از پلیس خواست تا تظاهرات را سرکوب کند. پلیس وحشیانه به حرکت اعتراضی زنان یورش برد و عده ای از زنان معترض زخمی و گروهی نیز بازداشت شدند. بازتاب این حرکت علیرغم میل سرمایه داران باعث شد تا زنان کارگر دیگر موسسات تولیدی و خدماتی نیز پی به حقوق از دست داده خود ببرند. بدین ترتیب آگاهی زنان کارگر رشد می کرد و در جهت احقاق حقوق خود اقداماتی را جهت سازماندهی انجام دادند. از آن پس بود که در این روز، حرکات اعتراضی گسترده ای در سراسر آمریکا بطور آشکار و نهان صورت می گرفت. سرانجام در روز هشت مارس ۱۹۰۷ زنان نساجی آمریکا با خواست ۱۰ ساعت کار روزانه به خیابان ها آمدند. این تظاهرات از طرف مردان کارگر و زنان دیگر اقشار جامعه مورد حمایت قرار گرفت. این بار نیز پلیس با شدت بیشتری به سرکوب معترضین پرداخت و عده زیادی را دستگیر کرد. یک سال بعد حزب سوسیالیست آمریکا مبادرت به تشکیل کمیته ملی زنان کرد و درخواست حق رای برای زنان را پیش کشید. در همانسال کارگران زن بافنده سوزنی نیویورک با خواست ممنوع کردن کار برای کودکان و حق رای برای زنان، به خیابان ها آمدند. تلاش خستگی ناپذیر زنان کارگر آمریکایی برای احقاق حقوقشان که از سوی مردان کارگر و دیگر آزادیخواهان مورد پشتیبانی و حمایت قرار گرفته بود، باعث گردید تا در سال ۱۹۰۹ این روز بعنوان روز ملی زنان در آمریکا نامیده شود.

آوازه مبارزات زنان آمریکایی به سرعت در سراسر جهان پیچید. مخصوصا در کشورهای صنعتی این روز بعنوان روزی که زنان زحمتکش آمریکا برای بهبود شرایط کار و کسب حقوق اجتماعی خود، علیه سرمایه داران به پا خاسته اند و مورد یورش و سرکوب قرار گرفته اند باز تاب یافت. همین مسئله احساس همدردی و همدلی جهانی را باعث گردید. در کنگره بین المللی سوسیالیستها که در سال ۱۹۱۰ در دانمارک برگزار شده بود. "کلارازتکین" زن سوسیالیست آلمانی پیشنهاد داد تا روز هشت مارس بعنوان روز جهانی زن شناخته شود. شرکت کنندگان در کنگره این پیشنهاد را به اتفاق آرا به تصویب رساندند. بدنبال آن در سال ۱۹۱۱ اجتماعات گسترده ای در سراسر جهان به گرامی داشت این روز برگزار شد. میلیون ها زن و مرد در کشورهای آلمان، دانمارک، سوئیس، روسیه، چین، استرالیا و ... به خیابان ها آمدند و ضمن شادی و پایکوبی، خواهان حقوق سیاسی - اجتماعی و برابری حقوق یکسان زنان با مردان شدند.

از آن پس بود که گرامی داشت این روز جهانی شد و هر سال نسبت به سالهای قبل بیشترمورد اقبال زنان بویژه زنان

”زبان مادری ما را به میان روزنامه های خود بیاورید“

گروه‌های هویتی بدون هرگونه تبعیض، تکرار مکررات است. شما از پیشینه درخشان تاریخی و جایگاه ویژه فرهنگ و ادبیات آذربایجانی در این کشور آگاهید و واقفید که این سرمایه بزرگ، بیرون از مرزهای این کشور، در دانشگاه‌ها و مراکز معتبر علمی دنیا چه‌سان ارزشمندتر و گرانمایه‌تر پاس داشته می‌شود. این طومار می‌تواند نمادی برای آغاز یک بازگشت باشد؛ بازگشت به عدالت و ارزش‌های اصیل انسانی. شما قطعاً می‌توانید با انتشار این طومار از بی‌مهری‌ها و جفاهای دهه‌های گذشته، اعلام برانگیز کنید. همچنین این نامه رابه منزله آمادگی صدها نویسنده ترک‌زبان آذربایجان برای تامین مطالب صفحات ترکی روزنامه‌های شما مطابق با استانداردهای ژورنالیستی تلقی بفرمایید.

در این نامه آمده است:

فرهیختگان ارجمند، مدیران مسوول و سردبیران روزنامه‌های شرق، اعتماد، بهار و آرمان و مجلات نسیم‌بیداری، آسمان، مهرنامه و اندیشه‌پویا با سلام و احترام؛ ۱۴ سال پیش، سازمان یونسکو ۲۱ فوریه برابر با ۲ اسفند را روز جهانی زبان مادری اعلام کرد و روز خاصی را برای پاسداشت یکی از مهم‌ترین نعمت‌های خداوندی که هماتا زبان مادری انسان‌ها و ملت‌ها است، اختصاص داد. همانطور که شما روزنامه‌نگاران می‌دانید کشور ما نیز، سهم قابل توجهی از کهکشان زبان‌ها دارد و هزاران انسان به زبان‌های متنوعی در این پهنه از خاک می‌اندیشند و سخن می‌گویند. شما نیک می‌دانید که هر یک از این زبان‌ها دریایی انباشته از سرمایه‌های تاریخی و فرهنگی در نهاد خود دارند. نیازی نیست که شما را در جریان محرومیت سخنوران این زبان‌ها و صاحبان این گنجینه بشری قرار دهیم. در حالیکه آموختن و تدریس و به‌کارگیری هریک از این زبان‌ها می‌توانست پنجره‌ای فراخ به غنای فرهنگی‌مان بگشاید؛ ما همچنان خود را به آموختن و نوشتن به تنها یک زبان قانع کرده‌ایم و آموختن و پاسداشت بقیه این میراث ارزشمند زبانی و فرهنگی را نادیده انگاشته و چه بسا بدان بی‌مهری کرده‌ایم. شما اصحاب رسانه بهتر می‌دانید رسانه‌ها و مطبوعات، صدای مردم و خوانندگانشان هستند و سخن گفتن با زبان خود مردم، از ملزومات مردم‌مداری و دموکراسی است. شایسته است، کسانی که عمر خود را برای آگاهی مردم و نگاشتن رنج و درد آنان وقف کرده‌اند؛ به این مهم، بی‌اندیشند که محرومیت از زبان مادری، رنجی فزاینده و سیال در تمام برهه‌های حیات انسانی است و چه بسا بسیاری از مصائب دیگر روانی و آموزشی و اجتماعی و اقتصادی، ریشه در این محرومیت داشته باشد. یکی از این زبان‌های محروم داخل کشور، زبان ترکی آذربایجانی است که میلیون‌ها انسان (مخاطبان شما) بدان می‌اندیشند و سخن می‌گویند و هزاران نفر به‌رغم همه محدودیت‌ها و محرومیت‌ها، بدان می‌نویسند و شعر می‌سرایند. بر آن هستیم، عطف به بی‌اعتنایی مسوولان امر و در نبود اراده‌ای فرهنگی و سیاسی برای رفع این محرومیت، از شما که از فعال‌ترین و کاراترین بخش‌های جامعه مدنی هستید، تقاضا کنیم؛ زبان مادری ما هموطنان ترک‌زبان خود را که دومین زبان جهان اسلام نیز است، به میان صفحات روزنامه‌های خود بیاورید و حداقل یک صفحه از روزنامه و بخشی از رسانه خود را به زبان میلیون‌ها هموطن خود اختصاص دهید. برای شما که اسوه‌های فرهنگ و اندیشه هستید؛ سخن از اهمیت زبان و فرهنگ انسان‌ها و رعایت حقوق فرهنگی و زبانی همه

گروه‌های هویتی بدون هرگونه تبعیض، تکرار مکررات است. شما از پیشینه درخشان تاریخی و جایگاه ویژه فرهنگ و ادبیات آذربایجانی در این کشور آگاهید و واقفید که این سرمایه بزرگ، بیرون از مرزهای این کشور، در دانشگاه‌ها و مراکز معتبر علمی دنیا چه‌سان ارزشمندتر و گرانمایه‌تر پاس داشته می‌شود. این طومار می‌تواند نمادی برای آغاز یک بازگشت باشد؛ بازگشت به عدالت و ارزش‌های اصیل انسانی. شما قطعاً می‌توانید با انتشار این طومار از بی‌مهری‌ها و جفاهای دهه‌های گذشته، اعلام برانگیز کنید. همچنین این نامه رابه منزله آمادگی صدها نویسنده ترک‌زبان آذربایجان برای تامین مطالب صفحات ترکی روزنامه‌های شما مطابق با استانداردهای ژورنالیستی تلقی بفرمایید.

در این نامه آمده است:

فرهیختگان ارجمند، مدیران مسوول و سردبیران روزنامه‌های شرق، اعتماد، بهار و آرمان و مجلات نسیم‌بیداری، آسمان، مهرنامه و اندیشه‌پویا با سلام و احترام؛ ۱۴ سال پیش، سازمان یونسکو ۲۱ فوریه برابر با ۲ اسفند را روز جهانی زبان مادری اعلام کرد و روز خاصی را برای پاسداشت یکی از مهم‌ترین نعمت‌های خداوندی که هماتا زبان مادری انسان‌ها و ملت‌ها است، اختصاص داد. همانطور که شما روزنامه‌نگاران می‌دانید کشور ما نیز، سهم قابل توجهی از کهکشان زبان‌ها دارد و هزاران انسان به زبان‌های متنوعی در این پهنه از خاک می‌اندیشند و سخن می‌گویند. شما نیک می‌دانید که هر یک از این زبان‌ها دریایی انباشته از سرمایه‌های تاریخی و فرهنگی در نهاد خود دارند. نیازی نیست که شما را در جریان محرومیت سخنوران این زبان‌ها و صاحبان این گنجینه بشری قرار دهیم. در حالیکه آموختن و تدریس و به‌کارگیری هریک از این زبان‌ها می‌توانست پنجره‌ای فراخ به غنای فرهنگی‌مان بگشاید؛ ما همچنان خود را به آموختن و نوشتن به تنها یک زبان قانع کرده‌ایم و آموختن و پاسداشت بقیه این میراث ارزشمند زبانی و فرهنگی را نادیده انگاشته و چه بسا بدان بی‌مهری کرده‌ایم. شما اصحاب رسانه بهتر می‌دانید رسانه‌ها و مطبوعات، صدای مردم و خوانندگانشان هستند و سخن گفتن با زبان خود مردم، از ملزومات مردم‌مداری و دموکراسی است. شایسته است، کسانی که عمر خود را برای آگاهی مردم و نگاشتن رنج و درد آنان وقف کرده‌اند؛ به این مهم، بی‌اندیشند که محرومیت از زبان مادری، رنجی فزاینده و سیال در تمام برهه‌های حیات انسانی است و چه بسا بسیاری از مصائب دیگر روانی و آموزشی و اجتماعی و اقتصادی، ریشه در این محرومیت داشته باشد. یکی از این زبان‌های محروم داخل کشور، زبان ترکی آذربایجانی است که میلیون‌ها انسان (مخاطبان شما) بدان می‌اندیشند و سخن می‌گویند و هزاران نفر به‌رغم همه محدودیت‌ها و محرومیت‌ها، بدان می‌نویسند و شعر می‌سرایند. بر آن هستیم، عطف به بی‌اعتنایی مسوولان امر و در نبود اراده‌ای فرهنگی و سیاسی برای رفع این محرومیت، از شما که از فعال‌ترین و کاراترین بخش‌های جامعه مدنی هستید، تقاضا کنیم؛ زبان مادری ما هموطنان ترک‌زبان خود را که دومین زبان جهان اسلام نیز است، به میان صفحات روزنامه‌های خود بیاورید و حداقل یک صفحه از روزنامه و بخشی از رسانه خود را به زبان میلیون‌ها هموطن خود اختصاص دهید. برای شما که اسوه‌های فرهنگ و اندیشه هستید؛ سخن از اهمیت زبان و فرهنگ انسان‌ها و رعایت حقوق فرهنگی و زبانی همه

تاریخ گذشته و حال ملل ساکن ایران همچنین پیدایش جریانهای مترقی در جهان طلب میکند که حاکمیتها، دمکراسی سیاسی را نهادینه کنند و زمینه مشارکت همه ملل را در حیات سیاسی کشورشان فراهم آورند. از همین روست که امروز تشکیل دولت فدرال در ایران به یک مسئله مبرم روز کبدل شده است.

از کارپایه فرقه دمکرات آذربایجان

بین الخالق حقوق آراشدیرمالار مرکزی
بین الخالق حقوق شناس پرویز اورمولو

آذربایجان

دموکراتیانین مدافعه سی اوغروندا.

هر بیر میللتین دیلی اونون میلی واریغینین اساس محوری دیر. انلهجهده بیز آذربایجان تورکلرنینده آنا دیلمیز اولان آذربایجان تورکجهسی میلی واریغیمیزین اساسینی تشکیل دیر. ایبلر بویو ایران مرکزی حاکمیتی طرفیندن مکتبلرمیزده تدریسینه قاداغا قویولماسینا باخمایاراق آنا بابالاریمیز دنیملرینده، آنالاریمیزی لایلا لاریندا و انلهجهده دیرلی یازیچی لاریمیز، شاعرلریمیز قیمتلی اثرلرینده بو زنگین دیلی قورویوب ساخلامش دیرلار. اما تاسفلر اولون کی، آخیر زمان لار بعضی "میلی فعاللاریمیز" دوشونرکن و با دوشونممن ادبی باخیمندان زنگین دیلمیزی مضمونونو گراماتیک جهتن سویهسینی اشاعی سالیلار. بنله کی بعضی لری دانیقلاریندا، یازی لاریندا زنگین آذربایجان تورکجهسینی آنادولو تورکجهسی ایله قاریشدیریرلار.

طبیعی دیر کی، مختلف تورک میللتلرین مختلف تورک دیلارین موجودولوغو هر بیر تورک اوولادینی سئویدیری کیمی بیز آذربایجان تورکلرینده سئویدیریر. بویوک ممنونیتله قید اتمه لییک کی بو دیل لارین ایجری سینده آذربایجان تورکجه سی ان زنگینی دیر. معاصر آنادولو تورکجهسینی (تورکییه تورکجهسینی) اساس لارینی ایشلمیش اثرمنی (آکوب مارتایان دیلاچار) طبیعی کی تورک دیلی اوزره یاخشی متخصص اول بیلردی. آما بو اونا دلالت اتمز کی، بیز اوز زنگین، و واله اندیجی دولغون آذربایجان تورکجهسینی باشقا دیل ایله قاریشدیراراق. گورمن بویوک شاعریمیز اوستاد شهریار باشاسادی بیزه نه دئیردی؟

حورمتلی اوخوجو، بوخاریدا گوسترین مقاملار بقین کی سیزینده ذهنیزده بیر سوال یارادیر، بو دوروملا بیز هارا گندیریک؟ دئموکراتیا بو دورومو؟

گورمن دموکراتیک پروسسلرین اینکیشافینی انگلهمین عاملیلر نله دیر؟ و با کیم لردیر؟ بیر-بیریمیزی دوشونجهریمیزه گوره محکمه قورمادان اتهام اندیریک، آزادلیغی اوغروندا مباریزه آپاردیغیمیز دموکراتیک دیرلرین پرینسپلرینی میللتیمزه آچیقلاماق بیزه و هرین ده یردی گلنده همین پرینسپلری آیق آلتینا آتیب بویوک ممنونیتله تاپدایلیق...

ظلم آلتیندا باشایان بوتون میللتلر، انلهجهده آذربایجانلیلاریندا مباریزسین زبروسی حقوق دولتی و دموکراتیک جمعیتین یارناماسیندان عبارت دیر. بین الخالق حقوقون اساس پرینسپلریندن اولان برابر حقوق پرینسپینه گوره بوتون میللتلر برابر حقوقا مالیکدیرلر. هنج بیر میللتین بیزیم میللتیمزه اوستونلوگو اولمادیغیندان بیزیم میللتیمزینده هنج بیر میللته اوستونلوگو بوخورد. دموکراتیک دیرلره حورمتله یاناشماق هر بیر قیاقجیل اینسانین اساس وظیفهسی دیر. دموکرات اولماق دوشونجهسی سیاست بازلیغلا مشغول اولماق دوشونجهسینه موغایر دیر سیاست بازلیقلا مشغول اولوب اوزونو گوندمه ساخلاماق استه ینلر یقین اوزلریده بیلیرلر کی، میللت اولارا حورمتله یاناشمایاجاق دیر.

بو یازنین عرصه یه گلمهسی نین اساس سببی سیزلره تقدیم اولونان اشاعیدکی یازیدان عبارت دیر. بنله کی، میللادان اونجه 430-جی ایلهد یوکسک سویهده دموکراتیک دیرلر اساسیندا چیخیش اندن آتن شهر جومهوریت باشچیلاریندان اولان پئریکلین چیخیشی اونی گوستریر کی دموکراتیک جمعیت قورماق اوچون تاریخه دفعلره مراجعت اتمک لازیم دیر.

بقین کی بو یازی آذربایجانلیلارین میلی مجاديله پروسه سینده ایشتراک اندن مختلف دوشونجلی جریان لارا، قولر، تشکیلاتلارین دموکراتیک دیرلره حورمتله یاناشمالاریندا و بیر-بیرلرینی فیکیر ایریلیق لارینین موجودولوغونا تولیرانتلیقلا یاناشمالاریندا عادیچی اولماق دیر.

پرویز اورمولو

2012-12-25

بئر کورمسنین مختلف بئرلرینده باشمالاریندان آسیلی اولمایاراق هر بیر میللتین سیاسی ومیلی تشکیلاتلارینین، آیری-آیری فردلرینین سیاسی مباریزلرینین سونجو دایاناجی سیاسی حاکمیتین برقرار اولوماسی ایله اساسلیر. حقوق دولتینین یارناماسی و منی جمعیتین قورولماسیندان اونجه بو یولدا چالیشان قوروملارین دموکراتیک اساسلار نجه حورمتله یاناشمالاری دا اساس شرطلر دیر. دموکراتیک ده یه رلری و پرینسپلری میللتینه وعده اندن مبارز تشکیلاتلار و یا سیاسی مبارزلر حاکمیته گلمه دن اونجه اوزلرینین دموکرات اولدوقلارینی سیاسی داوانیشلاریندا و یاناشمالاریندا گوسترمه لیدیرلر. عکس حالدا اولارین واسطهسی ایله قورولاجق سیاسی حاکمیت کهنهسی ایله هنج نده فرقلنمیب، او دا آنتی-دموکراتیک بیر حاکمیت اولماق دیر. دنیا دکی موجود دولتلرین چوخونون آنا یاسالاری دموکراتیک پرینسپلر اساسیندا یازلمیش دیر. اما همین پرینسپلرین اجرا مکانیمز لری و اولارا نظارت اندن قورولر دموکرات اولماق لارینا گوره ارتجعی بیر قومه چئویریلرلر. حاکمیته گلمه دن، دیگر سیاسی قولری مختلف دوشونجهره گوره اتهام اتمک نه تکجه اوزو اوزلرگونده آنتی-دموکراتیک بیر آنتیدیر، انلهجهده دوشونرکن و یا دوشونممن موجود آنتی-دموکراتیک دولتین ده برمانینا سو توکمکن باشقا بیر شئی دیر. انله ارتجعی مرکزی حاکمیتلرین سیاسی منفعلری ده اونا دیر کی، دموکراتیک حاکمیت اوغروندا مباریزه آپاران قورولر بیر-بیرلرین جانینا دوشوب، سیاسی گوج توپلاماق بیزه سیاسی قولری آرادان قالدیرماقلا مشغول اولسونلر مستقبل، آزاد و دموکراتیک دولتین وطنداشلاری او زمان سرست و اجتماعی-اقتصادی رفاه، صلح و امین-آمانلیق ایجری سینده باشایا بیلر کی، اولارین قیاقجیل اینسانلاری دموکرات اولسونلر. عکس حالدا بنله قولر اوز میللتین اعتبارینی هنج زمان قازانا بیلیمه چکلر.

سیاسی حاکمیت اوغروندا مبارزه نین ان اولملی چهلریندن بیرسی ده اوندان عبارت دیر کی، ظلم آلتیندا یاشان میللت اوزونون قیاقجیل سیاسی-میلی تشکیلاتلارینین سیاسی بیغیناجاق لارینین دموکراتیک قورمادا ایاده اولونماسینین شاهیدی اولسون. اگر بیر قوروم ایبلر بویو اوزونون سیاسی-تشکیلاتی دؤورونده بیر دفعهده اولسون دنیه دموکراتیک بیغیناجاق لار کئچیره قابلیه تینی نمایش اندیر مه بیدیرسه اولار اوز میللتین ایجری سینده حورمت قازانب حاکمیته گله بیلجکلری؟

بنله قوروملار هانسی سا بین الخالق مناسبتلرین استقامت لرنی تعیین اندن گوجلرین حیماسی آلتیندا حاکمیته چاتارلار سا گورمن اونا بیزیم میللتیمزه وعد ائتدیگیمیز دموکراتیک دولت ایله بو گونکی کرکوک تورک میللتینین میلی واریغینی دانان عراق دولتی ایله، اولارین نه کیمی فرقلری اولماق دیر؟ بو یازنین مقصدی آذربایجانلیلارین آزادلیغی اوغروندا مباریزه آپاران قورولرینین و سیاسی-میلی تشکیلاتلارین فعالیتلرینی آنالیز اتمک دیر. اما حاقلی اولاراق بیر مسئله نی بیزیم میلی واریغیمیزین واریغی قدر اهمیتی اولدوغونو نظره آلمالیق. بنله کی بو گونکی میلی مجاديله میزده مختلف دوشونجهرلرینین موجودولوغونا باخمایاراق، بو ایندیالاری حیاتا کئچیرمک ایستهمین میلی-سیاسی قولرین آیری-آیری یولدا دوشونجهرینی حیاتا کئچیریمه سینده اولدوغو قدر ده گوجلر اولمادیقلارینی قبول اتمه لییک. بنله حالدا سوال اولونور نه اوچون بیزلر گوج توپلاماق بیزیمه بیر-بیریمیزی، سیاسی میلی شخصیتلریمیزی و انلهجهده بو قدر ضعیف اولان میلی-سیاسی تشکیلاتلاریمیزی ایتهام اتمکله مشغول اولوروق؟ میللتیمزه وعده ائتدیگیمیز دموکراتیک دولت قورولمادان اونون حقوقی حاکمیت اورگانلارینی یارتمادان، عدالتی محکمه سیستمی برقرار اولمادان، قورولاجق دموکراتیک دولتین میلی مجلیسینی میللت اوزو سنجممن، آنتی دموکراتیک حرکتلره یول و نریمک ماهیت اعتباری ایله بو گونکی تهران رژیمیندن هیچ نده فرقلنمیر.

اعتراض جامعه کارگری به مصوبات ضدکارگری

در روزهای پایانی سال ۹۱ بر خلاف انتظار جامعه کارگری و در میان ناباوری همگان، شورای عالی کار حداقل دستمزد کارگران را برای سال ۹۲ حدود ۴۸۷ هزار تومان اعلام کرد. این مبلغ افزایش حقوق در میان افزایش سرسام آور قیمت ها و تورم افسار گسیخته، آینده تیره و تاری در مقابل زندگی مزد بگیران و خانواده هایشان گشوده است. به همین خاطر بلافاصله با واکنش اعتراضی جامعه کارگری مواجه شد. کارگران به مصوبه شورای عالی کار اعتراض دارند و خواهان آن هستند تا این ساز و کارهای غیر قانونی که از بالای سر کارگران برای آنها تصمیم می گیرند، بر چیده شود و ماده ۴۱ قانون کار بی کم و کاست اجرا شود. در غیر این صورت دولت باید منتظر اعتراضات گسترده تر کارگران باشد.

از میان این واکنش ها، جوابیه هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران به مصوبه اخیر شورای عالی کار قابل توجه است. در این نامه اعتراضی آمده است:

جناب آقای ظریفی آزاد معاونت روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

با سلام

همانگونه اطلاع دارید از ۱۱ اردیبهشت ماه سالجاری به این سو، سی هزار کارگر از کارخانه های مختلف سراسر کشور با امضای طوماری خواهان افزایش حداقل مزد مبتنی بر اجرای بی کم و کاست ماده ۴۱ قانون کار و تحقق دیگر خواست هایشان شده اند و در این راستا هماهنگ کنندگان طومار با همراهی تعدادی از کارگرانی که در جمع آوری امضا در کارخانه های مختلف شهر تهران همکاری داشته اند با تحسن در مقابل مجلس شورای اسلامی و سپس در محل وزارت کار، تحقق مطالبات خود را پیگیری کرده و این پیگیری ها نهایتاً منجر به تنظیم جوابیه ای از طرف جنابعالی به عنوان نماینده وزارت کار خطاب به هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی شده است.

در خصوص جوابیه ای که جنابعالی خطاب به ما هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی نوشته اید باید بگوئیم این جوابیه علیرغم لحن احترام آمیزش، مطلقاً و به هیچ عنوان ارزش و اعتباری برای اعتراض سی هزار کارگر و زندگی و معیشت آنان قائل نشده است. چرا که اولاً در این جوابیه نه تنها هیچ پاسخی به دیگر خواستهای ما در متن طومار اعتراضی داده نشده است بلکه خواست توقف اصلاح قانون کار بمثابه یکی از دو خواست اصلی مطرح در متن طومار اعتراضی مسکوت گذاشته شده است و ثانیاً این جوابیه تا آنجا که به پاسخ وزارت کار به خواست ما در مورد حداقل مزد مربوط می شود فقط ساز و کار ضد کارگری تا کنون موجود در تعیین حداقل مزد را به تصویر کشیده است.

ما اعتراض نکرده ایم تا وزارت کار، ساز و کار غیر قانونی و ضد کارگری تاکنون موجود در تعیین حداقل مزد را که همه ما کارگران بر آن آگاهی و اشراف کامل داریم برایمان بازگو کند، ما اعتراض کرده ایم تا بساط این ساز و کار غیر قانونی برچیده شود و بی کم و کاست به ماده ۴۱ قانون کار که سالهاست زیر پا گذاشته شده و در نتیجه آن میلیون ها خانواده

کارگری در فقر و فلاکتی غیر قابل تصور فرو رفته اند عمل گردد.

شما از سه جانبه گرایی در تعیین حداقل مزد صحبت کرده اید. کدام انسان عاقلی می تواند قبول کند که در شورایی (شورای عالی کار) ۵ نماینده از دولت به عنوان بزرگترین کارفرما، سه نماینده از دیگر کارفرمایان و سه نماینده، آنهم نماینده هایی دست ساز از کارگران حضور داشته باشند و بدتر از این، تصمیمات این شورا با رای نصف بعلاوه یک رسمیت داشته باشد و آنوقت چنین ساز و کاری نام سه جانبه گرایی بر خود بگیرد!!

گذشته از بی اساس بودن وجود سه جانبه گرایی در شورایی کار و تفاهم کارگر و کارفرما در آن، چه کسی و یا کدام قانون مصوبی این شورا را مکلف کرده است تا با زیر پا گذاشتن نص صریح ماده ۴۱ قانون کار، تبصره هایی خود ساخته را در تعیین حداقل مزد لحاظ کند. کدام بند و ماده و تبصره قانونی به شورایی کار این اجازه را داده است تا در تعیین حداقل مزد به جای لحاظ کردن تامین معیشت کارگران بر اساس سبد هزینه یک خانوار چهار نفره که با قید «باید» در ماده ۴۱ قانون کار بر آن تاکید شده است مباحث کلان اقتصادی، صیانت از نیروی کار، توان صنایع و مسائلی از این دست را مبنای تعیین حداقل مزد قرار دهد. اعتراض سی هزار کارگر برای بر چیده شدن این بساط بوده است و نه برای بازگویی و تکرار مکرر آن به ما کارگران. لذا از نظر ما و هر انسان شریف و منصفی طرح چنین مباحثی نمی تواند چیزی جز تلاش برای اعمال مصالحی فراقانونی و ضد کارگری در مسئله تعیین حداقل مزد تلقی گردد.

میلیون ها کارگر در سراسر کشور از اداره زندگی عاجز و درمانده شده اند، کودکان خانواده های کارگری بیش از پیش در حال محروم شدن از تحصیل و برخورداری از یک زندگی کودکان هستند، میوه و گوشت در حال برچیده شدن از سفره های خالی ما کارگران است، خودکشی و خود سوزی کارگران به دلیل فقر و نداری آذین بخش صفحات رسانه ها شده است، بسیاری از کارگران برای رهایی از قرض و بدهی به کلیه فروشی روی آورده اند، دستمزد زیر خط فقر کارگران را با ماه ها تاخیر نیز پرداخت نمی کنند، در نتیجه عدم واریز حق بیمه صدها هزار کارگر در سطح کشور و افزایش سرسام آور سهم بیمه گذار در هزینه های درمان، آنان از اندک خدمات درمانی نیز محروم شده اند، صدها هزار کارگر بازنشسته به جای استراحت و استفاده از دوران بازنشستگی آواره مسافر کشی در خیابان ها شده اند و با تنی رنجور باقیمانده عمرشان را با سرایداری و کار در شرکت های خدماتی می گذرانند و کارگران شاغل به دلیل عدم کفایت دستمزدشان برای گذران زندگی بناچار چند شغله شده و ۱۲ تا ۱۶ ساعت در روز کار می کنند، آنوقت شما به عنوان دولت حل این مصائب را که با افزایش مناسب حداقل مزد ممکن و میسر می شود صیانت از نیروی کار می نامید؟! این چه صیانتی از نیروی کار است که هر روزه هزاران کارگر در سطح کشور آواره خیابان ها می شوند، ۸۰ درصد آنان با قراردادهای موقت و سفید امضا در برده و ارترین شرایط مشغول بکارند و از ذره ای امنیت

ادامه در ص ۸

اعتراض جامعه کارگری...

شغلی برخوردار نیستند. شما از کدام صیانتان از نیروی کار صحبت می‌کنید از طرح استاد شاگردی که کار کودکان و بیگاری بزرگسالان را رسمیت می‌بخشد؟ و یا از صیانتان از نیروی کار در اصلاحیه دولت بر قانون کار صحبت می‌کنید که بر اساس آن کارفرمایان قادر می‌شوند به بهانه شرایط اقتصادی سیاسی و بی‌هیچ دغدغه‌ای میلیون‌ها کارگر را آواره خیابان‌ها بکنند. اگر صیانت از نیروی کار این‌ها است و اگر صیانت از نیروی کار بردگی و گرسنگی و بی‌تامینی ما کارگران است ما عطای این صیانت را به لقایش می‌بخشیم و هزینه دفاع از معیشت خود را که عین شرافت و حیثیتمان است به جان می‌خریم.

شما مدعی شده‌اید طی ۵ سال گذشته افزایش حداقل مزد کارگران بیش از متوسط تورم سالیانه بوده است و در این زمینه به ستایش از عملکرد دولت پرداخته‌اید. در حالیکه چنانچه قلم بدست گیرید و اندکی از وقت خود را صرف ضرب و تقسیم کنید متوجه خواهید شد که در این سال‌ها (از ابتدای سال ۱۳۸۷ لغایت آخر سال ۹۱) بطور متوسط حداقل مزد کارگران نسبت به تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی حدود ۵/۳ درصد نیز پایین‌تر آمده است. این در حالی است که همگان می‌دانند تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی هیچگاه و مطلقاً مطابق با واقعیت موجود افزایش قیمت‌ها و هزینه‌های زندگی نبوده است.

کیست که در این مملکت نداند قیمت کلیه اقلام غذایی و دیگر هزینه‌های زندگی فقط در طول یکسال گذشته تا چندین برابر افزایش پیدا کرده‌اند و آنوقت شما از ۷ هزار تومان افزایش کمک هزینه اقلام مصرفی کارگران بمثابه اقدامی در جهت افزایش قدرت خرید آنان اسم برده‌اید. آیا به نظر شما ۷ هزار تومان افزایش ماهیانه کمک هزینه زندگی بسیار خارج از حد و اندازه حقیرانه و توهین آمیز نیست؟ کمک ماهیانه ۷ هزار تومان در این مملکت می‌دانید یعنی چه؟ یعنی ۲۵۰ گرم گوشت و به ازای هر نفر خانواده چهار نفره در هر ماه ۶۲ گرم گوشت. آیا تحمیق آمیزتر از این وجود دارد که در مملکتی با افزایش چندین برابری قیمت گوشت این قلم غذای اساسی از سر سفره میلیون‌ها خانواده کارگری بر بیافتد و آنوقت تامين ۶۲ گرم گوشت به ازای هر نفر در ماه از تمهیدات بهبود زندگی کارگران به حساب آورده شود؟! دولت بخشهای مهمی از سوبسیدی را که دهه‌های متمادی بر سر سفره مردم ایران بوده است قطع نموده و سپس با عودت نقدی فقط قسمتی از این خوان به یغما برده شده به مردم ایران، مابقی این ثروت برداشت شده از سفره توده‌های مردم را به جیب خود ریخته است. آیا این افزودن به سفره مردم و کارگران است یا کندن از این سفره؟! شما ما کارگران و فراتر از آن شعور میلیون‌ها

مردم ایران را چه به حساب آورده‌اید که چنین اقدامی از جانب دولت را یک کار مثبت در جهت افزایش قدرت خرید کارگران قلمداد نموده‌اید!

اگر شما صفهای طویل دریافت مبلغی معادل خرید یک تا سه چهار کیلو گوشت در ماه را حین واریز پارانه‌های نقدی و بی‌قراری مردم برای دریافت این پول را در مقابل باجه بانک‌ها ببینید آنوقت خواهید دید که طرح قطع سوبسیدها و کندن از سفره خالی مردم ایران چه بلایی بر سر آنان آورده است. شما از کدام قدرت خرید صحبت کرده‌اید از قدرت خریدی که عملاً زندگی میلیون‌ها خانواده کارگری را از خط فقر به خط مرگ رانده است؟ از کدامین تمهیدات برای طرح طبقه بندی مشاغل و افزایش پاداش تولید و ساماندهی قرارداد کار و نظارت بر کار شرکتهای پیمانکاری صحبت می‌کنید. از طرح برده گرایانه استاد شاگردی یا استیلائی مافیای شرکتهای پیمانکاری بر زندگی و معیشت کارگران. از کدام تولید صحبت می‌کنید که پاداش آنرا به رخ ما کارگران کشیده‌اید، کدام تولید؟ کدام پاداش؟! آیا می‌دانید و قطعاً نیز می‌دانید که علاوه بر نبودن و یا قطع پاداش و مزایای کارگران در اکثریت قریب به اتفاق صنایع کشور در طول دو سال گذشته، در سود آورترین صنعت کشور نیز یعنی صنعت خودروسازی کلیه پاداش و مزایای صدها هزار کارگر از اول سال جاری قطع شده است و آنان در این مدت فقط پایه مزدی خود را دریافت کرده‌اند.

جناب ظریفی آزاد! ما هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار کارگر در جلسه‌ای که با آقای جلالی نظری در پی تجمعمان در محل وزارت کار داشتیم به صراحت اعلام کردیم شیرازه‌های هیچ جامعه‌ای در هیچ جای دنیا نمی‌تواند بر روی پایه‌ای که امروزه ما کارگران به مثابه اکثریت عظیم مردم ایران بر روی آن قرار گرفته‌ایم دوام بیاورد، به صراحت اعلام کردیم ما کارگران دیگر نمی‌توانیم به روال تاکنونی نحوه تعیین و میزان حداقل مزد تمکین کنیم، اعلام کردیم چنانچه به خواست میلیون‌ها کارگر در سراسر کشور توجه نشود اعتراضات موجود عمق و دامنه بیشتری پیدا خواهد کرد و کارگران ایران نظاره گر فقر و فلاکت تحمیل شده بر خود و خانواده‌هایشان خواهند شد.

لذا ما بار دیگر و در آخرین لحظات تعیین حداقل مزد سال ۱۳۹۲ به شورای عالی کار و همه دست اندر کاران آن اعلام می‌داریم ما کارگران ایران در سراسر کشور مطلقاً به روال تاکنونی تعیین حداقل مزد تن نخواهیم داد و چنانچه حداقل مزد سال پیش رو به اندازه‌ای نباشد که زندگی و معیشت ما به نحو شرافتمندانه‌ای تامین بشود دیگر به جمع آوری امضا و ارائه طومار اعتراضی بسنده نخواهیم کرد و دست به اعتراضات گسترده‌ای خواهیم زد.

سندیکا و اتحادیه های مستقل، اعتصاب، تحصن و گردهمایی از حقوق مسلم و شناخته شده جهانی کارگران است.

بحران دریای خزر در قرن بیست و یکم

است. منبع این آلودگی تنها صنایع سبک و سنگین آبادی های کنار دریا نیست بلکه بخش مهمی از این مواد آلوده کننده به وسیله آب های آلوده صدها رودخانه های بزرگ و کوچک که به خزر می ریزند به وجود می آید. بحران بزرگی که بر اثر استثمار بی رویه منابع طبیعی در نیم قرن گذشته در اکوسیستم های جهانی روی داد متأسفانه این دریای زیبا را هم در بر گرفت و امروز تفسیر فلاکت بار وضعیت اکولوژیکی خزر موجب ناراحتی اجتماعی جهانی گردیده است.

منبع اساسی آلودگی دریای خزر با اکتشافات و استثمار معادن نفتی، نقل و انتقال مواد نفتی در دریا، صنایع پتروشیمی و آب های آلوده رودخانه هایی که به دریا می ریزند مربوط می باشد شمار این رودخانه های به ۱۳۰ می رسد. در حوزه رودخانه هایی که به دریا خزر می ریزند بیش از صد میلیون هکتار زمین های مزروعی موجود است. در این حوزه ها صنایع غذایی تبدیلی کشاورزی و استاسیون های الکتریکی هم موجود می باشد. استثمار بی رویه و بی ثمر زمین ها و ذخایر طبیعی، تکنولوژی عقب مانده در صنایع پراکنده شدن مواد مضر، فلزات سنگین به محیط اطراف باعث آلودگی شدید منابع طبیعی رودخانه هایی به دریای خزر می ریزند، می گردد. معین گردیده که تغییرات اساسی در بالانس عناصر بیوژن به وجود آمده که دگرگونی قابل توجهی در رژیم غذایی دریا به عمل خواهد آورد. بر طبق آمارهای هوشناسی اتحاد جماهیر شوروی سابق در طول سالهای ۱۹۸۸-۱۹۸۹ میلادی مجموع پساب های صنایع سبک و سنگین و تولیدات کشاورزی، آب های آلوده آبادی های کرانه دریا که به خزر داخل می شوند در حدود ۲۶ میلیارد متر مکعب بوده که ۲۸۱ هزار متر مکعب آن تصفیه نشده و وارد خزر گردیده است. در عوض دو سال مواد مضر که در ترکیب پساب های آلوده به دریا ریخته شده عبارتند از مواد هیدرات های کربنی ۲۳۰۷۲۵ هزار تن، منبع اساسی این مواد آلوده عبارتند از رودخانه های منطقه صنعتی اورال و رودخانه ولگا. این منابع از ۲۰ تا ۸۷ درصد مجموع مواد آلوده را تشکیل می دهند که به دریا ریخته می شود. بر طبق آمار سازمان هواشناسی اتحاد شوروی سابق فقط در مدت یک سال (۱۹۸۹) به وسیله آب های رودخانه های شمال روسیه به دریای خزر ریخته شدند. ۶۲ هزار هیدرات های کربنی، ۳۶۷ تن فنول، ۲۹۰ تن مواد مضر تکنوزن، ۱۵۱ هزار تن بقایای سموم سنتتیک، ۸۳۶ هزار تن مس و ۵۵۹۶ هزار تن روی بود. بالا رفتن سطح آب دریا در سال های ۱۹۷۰ در شمال دریای خزر که منجر به غرق شدن معادن و ذخایر نفت گردیده بود. آلودگی دریای خزر را به مراتب افزایش داد. آلودگی آب های قسمت شمالی دریای خزر با مواد نفتی در وضعیت اکولوژیکی قسمت های شرقی و غربی دریای خزر تأثیر منفی داشت و منجر به آلودگی این آب ها با مواد نفتی گردید. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل کشورهای مستقل و نوپای کرانه دریای خزر مسئله استفاده از ذخایر نفت و گاز دریا در صدر برنامه های دولتی قرار گرفت. جمهوری های قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان با جلب سرمایه های عظیم خارجی به استثمار منابع نفت و گاز پرداخته و بدین ترتیب سعی کردند که

ادامه در ص ۱۰

دریای زیبای خزر یکی از یادگارهای طبیعی نادری است که دارای یک دنیای غنی گیاهی و حیوانی است. این دریای زیبا را طبیعت از هزاره های قبل به ارمغان آورده است. در بین عالم حیوانی انواع ماهی های خاویاری (استرژن) را می شود نام برد که بیش از ۸۰ درصد ذخایر جهانی آن در این دریا می باشد. نقش بزرگ و تاریخی دریای خزر در هزاره گذشته در زندگی اقتصادی، فرهنگی و مدنی مللی که در مکان آسیا و اروپای مرکزی زندگی می کردند و می کنند، ارزنده بوده است. در دو قرن گذشته دریای خزر منبع داخلی روسیه سپس اتحاد جماهیر شوروی و ایران بود ولی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل کشورهای مستقل در ساحل دریای خزر اهمیت این دریا افزایش یافته و امروز به اوج خود رسیده است.

در بین مسائل بی شمار حفاظت از بیوسفر و استفاده پر ثمر از ذخایر آن منابع آبی جهان به عنوان محیطی که انسان و جمعیت بشری را در احاطه خود دارد از اهمیت بیشتری بر خوردار می باشد. در زمره فرآیندهای اساسی که پویایی نرمال بیوسفر را تامین می کنند اشعه خورشیدی، آب، خاک و فرآیند فتوسنتز از اهمیت بیشتری بر خوردارند. در بین این فرآیندها آب مهره اساسی را تشکیل می دهد. خاک و پوشش گیاهی وحدت کاملی در سیستم اکولوژیکی جهان دارا می باشند. البته منابع عظیم آبی جهان، دریاها، اقیانوس ها، سیستم جهانی اکولوژیکی دیگری را تشکیل می دهند و هر دوی این سیستم های اکولوژیکی نقش مشابهی در طبیعت و بیوسفر دارا می باشند. در تاریخ بیولوژیکی کره زمین از نظر زمانی اقیانوس ها و منابع آبی با محتوای زنده خود نقش اولیه را در تشکیل بیوسفر و چرخه بزرگ بیولوژیکی که در حدود ۱۵ عنصر و خیلی ایزوتوپ های سبک را به خود جلب کرده بازی کردند. نقش عظیم و تاریخی دریای خزر در قرن های گذشته در زندگی اقتصادی، فرهنگی و مدنی مللی که در مکان آسیا و اروپای مرکزی ساکن بودند ارزنده بوده است. حوزه دریای خزر از نظر ژئوپولیتیکی هم از اهمیت مهمی بر خوردار می باشد. در نیم قرن گذشته وضعیت اکولوژیکی دریای خزر و شیوه های استفاده از منابع طبیعی آن بحران آفرید که نظر دقت دانشمندان، محققین، دوست داران طبیعت را به خود جلب کرده است. سرنوشت فلاکت بار و غم انگیز دریاچه آرال، وضع اکوسیستم های (بوم ها) اطراف این منبع بزرگ آبی آسیای میانه هشدار جدی برای بشریت می باشد. امروز پی آمدهای فلاکت بار نزدیک و دور نابودی دریای آرال کاملاً خود نمایی نکرده و بشریت در دراز مدت شاهد فسادهای آن خواهد بود. متخصصین پیش بینی می نمایند که پراکنده شدن ذرات گرد و املاح به دریا در فضا و سرزمین های اطراف در دراز مدت باعث مذاب شدن یخچال های کوه های آسیای مرکزی حتی یخچال های سلسله جبال هیمالیا هم خواهد بود. بحران در وضعیت اکولوژیکی دریای خزر بر فعالیت آنروپوزن به عمل آمده منبع و قربانی آن خود اجتماعی انسان های ساکن حوزه آن می باشد که هنوز هم نتوانستند درک نمایند که توسعه و جابجایی نیروهای مولده باید با امکانات اکولوژیکی منطقه در رابطه مستقیم باشد. وضعیت اکولوژیکی دریای خزر با آلودگی تکنوزن در رابطه مستقیم

بحران دریای خزر

در دریای خزر راکسیون زنجیره ای شیمیایی انجام می پذیرد که پی آمدهای آن هنوز دقیقاً معین نگردیده است. خزر ریه اروپا است. به طوری که می دانیم آلودگی دریای خزر تا اندازه ای بر اثر فعالیت میکرواورگانیزم ها یعنی به طور طبیعی تصفیه می گردد و با در نظر گرفتن افزایش دائمی آلاینده ها مقدار اکسیژن که از طرف میکرواورگانیزم ها برای تصفیه آب به کار گرفته می شود افزایش می یابد که در آینده باعث بروز بیماری های متعدد و حوادث پوتولوژیکی نه تنها در اورگانیزم انسان های ساکن کرانه دریای خزر حتی اروپا هم خواهد شد.

دریای خزر از نظر اکولوژیکی نادر بوده جزء غنی ترین دریاهای جهان به شمار می رود. بر طبق اطلاعات انستیتوهای تحقیقاتی در دریای خزر در حدود ۵۷۰ نوع گیاه (عالی و جلبک ها) بیش از هزار گونه جانور و موجود می باشد. یکی از ثروت های ارزنده دریای خزر ماهی های خاویاری (استروژن) می باشد. جالب است که ۸۰ درصد ذخایر جهانی آن در دریای خزر مسکن گزیده و هر سال هزاران کیلوگرم خاویار مرغوب به جهانیان عرضه می گردد. آب دریای خزر از نظر شیمیایی نیز غنی است به طوری که سالانه به مقدار زیادی ید و برم از آب دریا گرفته می شود. در آب دریا انواع نمک ها و ترکیبات شیمیایی موجود می باشد. امروز دریای خزر به یک منبع بزرگ نفت و گاز تبدیل گردیده و هر سال میلیون ها تن هیدرات های کربن از بستر آن استخراج می گردد. در سال های آخر شرکت های بزرگ جهانی، کارتل ها و کنسرسیوم های بین المللی در استخراج نفت دریای خزر سرمایه گذاری های کافی کلانی کردند و سالانه میلیون ها تن نفت به سایر کشورهای جهان صادر می نمایند. سرمایه گذاری برای استخراج نفت و گاز دریای خزر در آینده افزایش خواهد یافت و حجم نفت استخراج شده هم به مراتب بیشتر خواهد بود که از نظر اکولوژیکی مسئله ساز می باشد. در اواخر قرن گذشته در پی اکتشافات و حفاری های انجام شده در سواحل جمهوری قزاقستان، ترکمنستان، آذربایجان و حوزه های نفت خیز در بستر دریا معین گردیده و منطقه را به کانون توجه جهانی تبدیل کرده است. امروز بزرگ ترین شرکت های نفتی جهان به منطقه آمده و به فعالیت مشغول می باشند. پتانسیل اقتصادی دریای خزر از هزاران سال به این طرف نظر دقت ساحل نشینان آن را به خود جلب کرده و با گذشت زمان آبادی ها و شهرهای زیادی در سواحل آن ایجاد گردیده که در نتیجه کشتیرانی، حمل و نقل کالا و مسافر رونق گرفته است. از همین دوران هم آلودگی دریای خزر افزایش یافته و وضع اکولوژیکی دریا را جریحه دار کرده است. لازم به تذکر است که از نیمه دوم قرن بیستم ذخایر نفتی دریای خزر نظر دقت دولت اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری های شوروی را به خود جلب کرده و تا به امروز هم استثمار ذخایر آن ادامه می دهند. در حدود ۵۶ سال قبل در محدوده جمهوری آذربایجان درصد کیلومتری باکو شروع به ساختمان شهرک دریای نفت داشلاری گردیده و امروز در وسط دریا شهری با جمعیت در حدود ۵ هزار با پارک ها خانه ها و راه های آسفالت به وجود آمده که در روی پایه ها ایستاده این شهر مرکز استخراج نفت دریا به شمار می رود و صدها چاه نفت امروز در این قسمت

ادامه در ص ۱۱

به اقتصاد جهانی به پیوندند که این خود فشار روز افزونی بر وضعیت اکولوژیکی دریای خزر ایجاد نمود که تا به امروز هم به طور فزاینده ادامه دارد. انعقاد قراردادهای نفتی و گازی و استثمار بی رحمانه آنها امروز هم ادامه دارد و این در شرایطی است که مسائل دریای خزر و تقسیم آن بین کشورهای ساحلی، مالکیت بستر آن و استفاده از ذخایر آن هنوز به حل نهانی خود نرسیده و از نظر حقوقی وضعیت آن تعیین نگردیده که خود باعث اختلافات سیاسی بین کشورهای همسایه شده است. نقش بزرگ دریای خزر در اقتصاد کشورهای کرانه وجود ذخایر عظیم نفت و گاز آن، ذخایر بیولوژیکی به ویژه وجود بیش از ۷۰ درصد ذخایر جهانی، ماهی های استروژن (خاویاری) و غیره ایجاب می نماید که کشورهای ذینفع در اسرع وقت به عقد قراردادهای مطلوب موفق گردند. فقط در این صورت حفاظت از وضع اکولوژیکی دریای خزر امکان پذیر خواهد گردید. دانشمندان جمهوری آذربایجان بر اساس اطلاعات موجود در مورد آلودگی آب های دریای خزر این منبع را به رده یا کلاس تقسیم کردند:

۱- منطقه ای که آب دریا به شدت آلوده است: این رده آب های منطقه ساحلی را در اطراف شهر در بر می گیرد. البته در سال های اخیر مقامات دولتی جمهوری اقدامات جدی برای سالم سازی این آب ها انجام می دهند.

۲- آب های این مناطق خیلی آلوده است: آب های سواحل دربند، ایزیر باشی، سومگائیت، بگداش، جزیره مانفشلاق جزو این رده هستند.

۳- آب آلوده است: این مناطق عبارتند: حوزه رودخانه ترک، سولاک، سامور، کر، منطقه ساحلی میخاچ قلعه، کرانه ساحلی شهر کاسپی اسک، لاپاتینا، اطراف معادن دریای بیلگه، شیخ، سنگه چال، لنکران، شبه جزیره چلکی، خلیج های ترکمن، ترکمن باشی و آب های مناطق شرقی خزر شمالی. متأسفانه در این چنین دریای بزرگ آب منطقه ای را که بشود تمیز نامید، معین نگردید (سواحل جمهوری اسلامی ایران مورد تحقیق نگردیده است). با در نظر گرفتن این که آلودگی دریای خزر به طور مداوم دوام دارد انتظار بهبود وضع اکولوژیکی این منبع بزرگ آبی فعلاً امکان پذیر نمی باشد. در چهارچوب کشور شوروی سابق به آب های رودخانه هائی که به دریای خزر می ریزند عوامل مختلف آنتروپوژن تاثیر می گذارند در درجه اول ساخت سدها و استثمار آنها، احداث واحدهای آبیاری کانال های زیاد کیلومتری درناژ و کلکتورها، تدابیر آگروتکنیکی در مزارع از جمله استفاده روز افزون از کودها، سموم شیمیایی برای مبارزه با امراض و آفات گیاهی، احداث استاسیون های آبی - گرمائی و غیره. بر طبق اطلاعات وزارت محافظت از ذخایر طبیعی و اکولوژیکی جمهوری آذربایجان کشورهای کرانه دریای خزر به طور متوسط سالانه در حدود ۱۲ میلیارد متر مکعب چرکاب به دریای خزر می ریزند. به وسیله همین چرکاب ها ۱۵۰ هزار تن محصولات نفتی و نفت ۱۴۰۰ تن فنول و ترکیبات فنولی ۳۴۰۰ هزار تن مواد فعال سنتتیک به آب های دریای خزر داخل می شود. بر طبق آمار دانشمندان آکادمی بین المللی اکو انترتیک در حال حاضر دریای خزر به حد نهایی آلودگی خود رسیده و اگر در آینده نزدیک اقدامات فوق العاده برای حفاظت از آب دریا و تقلیل مقدار آلاینده انجام نگردد. بروز فلاکت حتمی خواهد بود.

بحران دریای خزر...

شود و ضربه سنگینی به زندگی آذربایجان وارد می کند. با گذشت زمان تعداد ماهی های استروژن و خاویار تولیدی به طوری کلی تعداد آذربایجان به مراتب تقلیل می یابد. آلودگی دریا به خصوص با مواد نفتی در بسیاری نقاط این دریا زیست گاه های طبیعی را تخریب می نماید. احداث استاسیون های آبی الکتریکی، سد های بزرگ ورود ماهی ها به آب های شیرین برای تخم ریزی را به شدت محدود می نماید که در نتیجه نسل های آنها کاهش می یابد. منطقه هشتراخان (استراخان) جمهوری فدراتیو روسیه، ماخاچ قلعه در جمهوری داغستان، تقاطع رودخانه های دن و ولگا، اطراف سد بزرگ ولگا گراد، سواحل باکو جزء مناطق آلوده و بحرانی از نظر اکولوژیکی می باشد. بر طبق برآوردهای محافل زیست محیطی در بعضی از مناطق دریای خزر آلاینده های نفتی تا ده برابر حد معمولی یعنی حد تحمل موجود زنده می باشد. یکی از حوادث ناگواری که آلودگی نفتی در دریا به بار می آورد عبارت از آن است که نفت خام در سطح آب باعث تقلیل در انتقال نور خورشیدی به قشرهای پائین که محل زندگی آذربایجان است، می گردد. پرده نفتی در سطح آب به پرندگان وابسته به آب و به طور کلی آذربایجان آسیب می رساند. نفت خام و به طور کلی هیدروکربن های نفتی پس از جابجا شدن در سطح آب تخریب و تجزیه می گردد که منجر به اکسیداسیون فتوشیمیایی و ته نشین می شود که تاثیر بسیار سوئی در وضع اکولوژیکی دریا می گذارد.

بر طبق اطلاعات موجود تنها در جمهوری آذربایجان هشت صد کیلومتر مربع از زمین های کرانه دریا خزر زیر آب رفته که خسارات بسیار زیادی به اقتصاد ملی کشور زده است. این خسارات در حدود ۱۲ میلیارد دلار تخمین زده می شود و خسارات وارده به سایر کشورهای منطقه نیز رقم بزرگی را تشکیل می دهد. آلودگی دریای خزر، ورود میلیون ها تن مواد شیمیایی به دریا باعث تقلیل مقدار اکسیژن در آب می گردد. بر طبق اطلاعات محافل علمی که بر مشاهدات اختصاص (مونیتورینگ) تکیه می کند در ۵۰ سال گذشته میزان اکسیژن در آب دریا حدود ۲۵-۳۰ درصد تقلیل یافته که پس آمدهای آن برای ارگانسیم های زنده مشهود می باشد. وضع اگر بدین منوال ادامه یابد آینده دریای خزر از دریای آرال بهتر نخواهد بود.

ورود چرکاب ها، فاضلاب ها و فضولات به دریای خزر فلاکت دیگری را هم ایجاد کرده و آن تغییر ترکیب شیمیایی آب به خصوص در مناطق آلوده می باشد. در این مناطق بر اثر آلودگی تکنوژن مقدار فلزات سنگین به خصوص روی، کبالت، مس، مولیبدان، استرونیوم و عناصر دیگری مانند سرب بر، ید و غیره در آب به مراتب از حد مجاز آن زیاد تر شده و برای ارگانسیم های زنده به خصوص ماهی ها خطرناک می باشد. استخراج نفت و حفر صدها چاه در دریا، ورود فزاینده آب های زیرزمینی که آلوده به مواد رادیو اکتیو می باشند به محیط دریا مسئله ساز می باشد. پراکنده شدن اشعه دارای خواص رادیو اکتیو در محیط زیست و شیوع انواع مرض سرطان به خصوص لیکومی (سرطان خون) منجر می گردد که بسیار خطرناک است. آلودگی فزاینده دریای خزر ذخایر غنی و پرارزش آن را تقلیل داده و می دهد

ادامه در ص ۱۲

از دریای خزر مورد استثمار می باشد. طبیعی است که ایجاد منطقه و استثمار ذخایر نفت آن آلودگی های نفتی دریا را به همراه داشت و با گذشت زمان این منطقه به مراکز آلودگی تبدیل می گردد. امروز شرکت های نفتی جهان کنسرسیوم های بین المللی که بر اساس قرارداد معروف به قرارداد عصر به فعالیت عظیم دست زده و حجم استخراج نفت را هر روز افزایش می دهند که بدون تردید نقش قابل ملاحظه ای در آلودگی دریا و حجم استخراج نفت را هر روز بیشتر می کند که بدون تردید نقش قابل ملاحظه ای در آلودگی دریا بازی خواهند کرد.

سرازیر شدن فاضلاب نفتی، پساب های صنعتی به خصوص نفت، فرآوردهای نفتی و سموم آب دریای خزر را مسموم کرده و زندگی آذربایجان آنرا به مخاطره می اندازد. وضع موجود اکولوژیکی دریای خزر ایجاد می نماید که تمام کشورهای ساحلی آن دست به دست هم داده و عوامل آلاینده دریا را شناسایی نموده و در پاک سازی آن بکوشند. بحران موجود زیست محیطی دریای خزر ایجاد می کند دولی که سال ها از ثروت آن استفاده کرده و هنوز هم به استثمار آن ادامه می دهند و حفاظت از محیطی زیست آن را هم عهده دار شوند. فقط در چنین شرایطی توسعه پایدار می تواند عملی گردد و خزر زیبا به سرنوشت دریاچه آرال دچار نشود. باید متذکر شد که بسته بودن دریای خزر به مقدار زیادی از پراکندگی مواد آلاینده و غلظت آن می گاهی ولی حجم زیاد استخراج نفت و فعالیت آنروپوژن آلودگی فزاینده را در پی دارد. نفت و ترکیبات هیدروکربنی که به دریا ریخته می شوند و به اشکال مختلف به آلودگی می انجامند. از نفت مقداری تخریب می گردد. قسمتی هم به صورت ذرات معلق در دریا شناور می ماند. مقداری هم از طرف آذربایجان جذب می شود و بالاخره قسمتی هم صورت رسوب ته نشین می گردد. در مناطق آلوده لایه نازکی از نفت در سطح دریا مانده و به آلودگی آن می انجامند. آلودگی دریای خزر تنها با استخراج نفت آن مربوط نبوده بلکه آلاینده های دیگری هم در آن دخیل می باشند.

منابع اساس آلودگی دریای خزر عبارتند:

- ۱- آب رودخانه های شمال روسیه به خصوص رودخانه ولگا
- ۲- صنایع بزرگ و کوچک ساحلی
- ۳- استخراج نفت و هیدرات های کربنی
- ۴- بالا رفتن سطح آب دریا
- ۵- آلودگی های تمرکز نیافته
- ۶- فاضلاب کارخانه های شیمیایی و پتروشیمی

آلودگی های دریای خزر سطحی و عمیق می باشد. یکی از منابع بسیار مهم آلودگی دریای خزر آب رودخانه ولگا بزرگ ترین شاهراه آبی روسیه می باشد. این رودخانه از نزدیکی مراکز بزرگ صنعتی، صنایع متالورژی نفت و شیمی (پتروشیمی)، صنایع و مجتمع های بزرگ تولید کود و سموم شیمیایی، مراکز بزرگ دامداری و شهرها می گذرد و تمام فاضلاب و فضولات آنها را در خود جمع کرده به دریا می رساند. آب این رودخانه به شدت آلوده می باشد و بیش از همه مقدار فلزات سنگین به مراتب بیش از حد معمولی آن می باشد. ترکیبات سربی، نیتراتی، نفتی، فنول، عناصری مانند استرونیوم، مس، کبالت، مولیبدان، کلر، منگنز و غیره به مقدار زیادی در آب موجود می باشد که به دریا ریخته می

بحران دریای خزر

- ۵- نظارت بر فضولات کارخانه ها و معادن مناطق ساحلی و جلوگیری از انتقال آنها به دریا.
 - ۶- نظارت کامل بر روی آب رودخانه ولگا، جلوگیری از منابع آلاینده آن در مسیر و شهرها.
 - ۷- جلوگیری از شست و شوی تانکرهای نفتی، کشتی های باری در دریا
 - ۸- جلوگیری از ورود فضولات کشتی های باری و مسافربری به دریا.
 - ۹- ممانعت از ورود محصولات آتشفشان های به دریا و آلودگی آن.
 - ۱۰- جلوگیری از فرسایش خاک در سواحل جنگلی و کوهستانی.
 - ۱۱- تنظیم برنامه های اکولوژیکی و انتشار آنها در رادیو، تلویزیون و مطبوعات کشور.
 - ۱۲- تشکیل میزگردها در رادیو و تلویزیون به منظور تبلیغات اکولوژیکی.
 - ۱۳- چاپ توصیه های لازم، کتابچه ها، کتاب ها، پلاکاردهای اکولوژیکی به منظور جلوگیری از آلودگی دریا.
- امروز وقت آن رسیده که دانشمندان، متخصصین، بنیادهای محیط زیست کشورهای کرانه دریای خزر برنامه های علمی دراز مدت مبارزه با آلودگی دریای خزر را تنظیم نموده پیاده نمایند. نسل ما باید تمام هم خود را برای جلوگیری از این فلاکت عظیم صرف نماید.

پروفسور دکتر بهروز شکوری

**فرقه دموکرات آذربایجان
پروسه های منطقه ای و
جهانی را مد نظر داشته، با
بیش از نیم قرن تجربه فعالیت
سیاسی و با درس عبرت گرفتن
از ناکامی و پیروزی های
گذشته مبارزه ملی مردم
آذربایجان را جهت داده، فعالیت
خود را در مقیاسی جدید ادامه
می دهد.**

پیشه وری

که در اقتصاد کشورهای ساحلی آن تاثیر می گذارد. تقلیل کلی

ماهی های استرژن، محصول پر ارزش آنها خاویار در سال های گذشته میلیون ها دلار خسارت به بار آورده و با تقلیل جمعیت ماهی های مفید نوع ماهی کم ارزش تکثیر می گردند و توازن بیولوژیکی دریا به هم می خورد. بدین ترتیب ما شاهد تاثیر همه جانبه آلودگی در تمام شئون زندگی جانداران می باشیم.

وضعیت اکولوژیکی دریای خزر به حد بحرانی خود نزدیک می شود و سرنوشت این دریای زیبا نمی تواند برای بشریت به خصوص ساکنین اطراف آن بی تفاوت باشد. کنفرانس تاریخی محیط زیست که به نام کنفرانس ریودژانیرو (۱۹۹۲) مشهور گردیده در اصل بیست و پنجم اعلامیه تاریخی خود برای اولین بار در تاریخ بشری حفاظت از محیط زیست را هم طراز صلح و توسعه دانسته و آنها را از هم جدا نشدنی معرفی کرده است. لازم به تذکر می باشد که پیوستگی میان صلح و توسعه و محیط زیست به تدریج سازمان های بین المللی به خصوص سازمان ملل متحد را قادر خواهد ساخت تا علیه کشورهای که به طور گسترده به محیط زیست آسیب می رسانند اقدام نمایند. امروز دامنه نفوذ مقررات حقوق محیط زیست به حقوق داخلی کشورها محدود نمی شود و آن طوری که از منشور بلگراد استنباط می گردد هدف این است که موازین اخلاقی جدیدی پدید آید تا در پرتوی آن انسان در کره زمین در محیط سالم به زندگی خود ادامه دهد. لازم است در این فرصت وضعیت حقوقی دریای خزر مشخص و اختلافات موجود بین دول هم جوار در مورد استفاده از ثروت های آن حل گردد. امروز وقت آن رسیده که تحت رهبری سازمان ملل متحد کنوانسیون بین المللی در مورد امنیت اکولوژیکی دریای خزر تنظیم و به مورد اجرا گذشته شود و در چهارچوب همین کنوانسیون کنفرانس های سالانه به شرکت متخصصین و دست اندرکاران کشورهای هم جوار تشکیل گردیده و مسائل مختلف امنیت اکولوژیکی خزر بررسی و ده های جلوگیری از آلودگی آن مشخص گردند. به منظور جلوگیری از آلودگی های دریای خزر لازم است تدابیر حفاظتی زیر انجام پذیرد.

۱- تطبیق سیستم مشاهدات اختصاص (مونیتورینگ) بر آب رودخانه ها و دریاها (پتانسیل بیولوژیکی وضعیت شیمیایی و آلودگی).

۲- نظارت کامل اکولوژیکی بر حفاری های نفتی، استثمار منابع، حمل و نقل آنها.

۳- نظارت جدی بر لوله های زیر دریایی، انتقال نفت و گاز.

۴- نظارت همه جانبه و پایدار بر چرکاب ها و فاضلاب های شهری و جلوگیری از انتقال آنها به دریا.

آفینالی (آتلی) پئریکل دموکراتیانین مدافعه سینه دایر

خاطربه دنییل، اوندان فایدالی شنکیلده ایستیفاده ائتدیگیمیزه گوره قیمت لندیریریکی.

بیزده یوخسولوغو اعتراف ائتمک هنج کس اوچون روسوایچیلیق ساییلمیر، لاکین بیز ان بویوک روسوایچیلیغی اوندان گورورویکی، اینسان اوز امی ایله بو روسوایچیلیغدان قورتولماغا جالیشماسین.

بیزده انله آداملار وار کی، عینی واختدا هم اوز ایشلری ایله، هم ده اجتماعی ایشلرله مشغول اولورلار. لاکین قالان وطنداشلارین هر بیر اوز پیشهسی ایله مشغول اولسا دا، سیاستدن یاخشی باش چیخاریرلار. چونکی یالنیز بیزده اجتماعی فعالیتله مشغول اولمایان غنیرتلی وطنداش دنییل، گرک سیز آدم ساییریق.

بیز هنج ده دوشونمورویکی، آچیق مذاکیره دولت ایشلرینین گندیشینه زیان وورا بیلر. عکسینه، بیز بنله حساب اندیریکی کی، هر بیر لازیمی قرار لئهینه و علئیهینه چیخیشلارین کمکی ایله قاباقجاندان حاضرلیق گورولمکله قبول اولونمالی دیر.

چوخ آز آدم سیاستچی اولا بیلر، لاکین سیاستچیلرین عملرینه قیمت و نرملهیه هامینین حاقی وار...

باشقالاریندان فرقلی اولاراق بیز جسارت صاحبی اولماغیمیزا باخما یاراق پلانلاریمیزی قاباقجاندان اساسلی صورتده دوشونوب یالنیز بوندان سونرا ریسک ائتمه بی اوستون توتوروق؛ باشقالاریندا ایسه نادانلیق اؤتکم بیز جسارت، آبیق ملاحیزه ایسه قعطیت سیزلیک توره دیر. یالنیز او آداملاری حقیقی ایگید سایماق اولار کی اولار دردین ده، سنوینجین ده نه اولدوغونو یاخشی بیلیرلر و محض بونو بیلدیکلرینه گوره تهلوکهلردن قورخوب چکینمیرلر...

...بیز سؤزله، من اسرار اندیرم کی، شهریمیز بوتون ائلادا اوچون بیز مکتب دیر و گمان اندیرم کی، بیزلردن هر بیریمیز ان مختلیف حیات شرایطلرینده اوز شخصی کئیفیتلرینی آسانلیق و اینجه لیکله تصدیق انده بیلر...

...بونا گوره ده من شهریمیزین شان شهرتی بارده بو قدر گنیش دانیشدیم. من هم ده اونو گؤسترمک ایستیردیم کی، بیز اوز مباریزه میزله بو جور ثروتدن محروم اینسانلارین مدافعه ائتدیگیندن داها بویوک بیر شنیی مدافعه اندیریکی...

... و شهریمیزین عظمتینه گوره فرحله نرکن اونوتمایین کی، بو شهری شرف حصیندن ایلهام آلان، وطنداشلیق بورجونون نه اولدوغونو بیلن و اونو وجدانلا یئرینه یئتیرن اینسانلار یاراتمیشلار...

(ق.م. 430-جو ایل. پئریکل).

2012-12-25

آتن شهید اوغول لارینین دنیینده قیبر اوستو نطق (ق.م. 430-جو ایل)

چوخ آز آدم سیاستچی اولا بیلر، لاکین سیاستچیلرین عملرینه قیمت و نرملهیه هامینین حاقی وار.....

محاربهده هلاک اولانلارین شرفینه نطق سؤیلمک واختی چاتاندا ناطیق قیسمینده کسانتینین اوغلو پئریکی سئچدیلر. او، هامی انشیتسین دئییه، مقبره اونونده اوچالیمیش میدانچاندان بو نطق ایله چیخیش ائتدی...

...بو گون بورادا دفن ائتدیگیمیز قهرمانلارین شانینه تعریفلر سؤیلمهیه باشلامازدان اول من شهریمیزی حاضریرکی عظمته یئتیرمیش قورولوش، حیات طرزیمیزین قانون فایدالاری بارده دانیشماق ایستیرم.

...بیز اوز دولت قورولوشوموز اوچون هنج بیر

یاداللی قانونلاری نمونه گتیرمیشیک. عکسینه، بیز ندنسه کیملری ایسه تقلید ائتمکدنه اوزوموز باشقالاری اوچون همیشه اوزنک اولموشوق. شهریمیزی بیر اوج شخص دنییل، خالقین بویوک اکثریتی ایداره ائتدیگینه گوره دولت قورولوشوموز خالق ایدارهچیلیگی آدلانیر. بیزده شخصی ایشلرده هامی قانونلار اساسیندا عینی حوققلاردان ایستیفاده اندیر. دولت ایشلرینه گلدیکه ایسه، بیزده هر بیر کس یالنیز لیاقتینه گوره فخری دولت وظیفه لرینه ایرملی سورولور، بنله کی، همین شخص معین زومر به منسوب اولدوغونا گوره دنییل، شخصی فداکارلیغینا گوره نه ایلهسه فرق لنه بیلیمیش دیر. اگر هر هانسی بیر اینسان دؤولته خیدمت گؤسترمهیه قادیر دیرسه، یوخسوللوق، اصیل کؤکون اولماسی، یاخود آشاغی اجتماعی حال اونون فخری وظیفه توتماسینا مانع اولمور.

بیز دؤولتیمیزده آزاد یاشاییر و گونده لیک حیاتییمیزدا قارشیلیق شبهه لره یول و نر میریک: قونشوموز اوز داورانیشیندا شخصی منیلرینه اویغون حرکت اندیرسه، بیز اونا پیس گوزله باخمیریک و اوز زیانسیز، لاکین قان قارالدا بیله جک ناراضیلیغیمیزی اونا بیلدیر میریک.

شخصی مناسیبتلریمیزده بیز بیر-بیریمیزین گناهلاریندان کئچسک ده، اجتماعی حیاتدا قانونلاری هنج واخت پوزموروق، باشلیجاسی اونا گوره کی، بیز قانونلارا حؤرمتله یاناشیریک، حاکمیت و قانونلارا، علل خصوصدا اینجیدنلرین مدافعهسی اوچون قویولموش قایدالارا، هابنله یازیبیا آلینماسالار دا، پوزولماسینی عیب سایدیغیمیز قانونلارا تابع اولوروق...

...رقیبلریمیز ده اوز تربیه اصوللارینا اساسا اوز جاوانلارینین منانتینی لاپ کیچیک یاشلاریندان سرت انتظامین کمکی ایله محکم لندیرمهیه جان آتیرلار، بیز ایسه سربست، بو جور سرتلیکلردن آزاد یاشاییر، بونولا بنله، بیزه برابر اولان دوشمنه قارشی جسارتله موباریزه آپاریریک...

...بیز گوزللییه اولان منیلیمیزی ایسرافچیلیغا یول و نر مهن اینکیشاف اندیریر و علم لرله معنوی گوجوموزه خلل گتیرمهن مشغول اولوروق. وار دولتی بیز بوش بیر لوو غالیق

عارف صفا

خلقین مبارز قیزی

مرضیه احمدی اسکونی نین عزیز خاطره سینه

ظلمتده گونش

موسنتتیق.

بیگانه دئیلیک وطنه بیزده

وطن عشقی گزیر اوره گیمیزده.

مرضیه.

آغیز شیرین اولماز هالوا دیمکله،

وطنی سئونلر ویرسه ال - اله،

بیر اوردو یارانار، یئنیلمز بیر اوردو،

جننه چویوره ر بیزیم بو یوردو.

موسنتتیق حیرتله باخیردی اونا،

بو اودلار یوردونون ایگید قیزینا.

موسنتتیق ائوینه گلنده آخشام،

دوشوندو «هاردانیر اوندا بو اینام؟»

منطیق وار فکرینده، هر بیر سوزونده،

بیر قورخو نشانی یوخدور اوزونده.

بیر حیات عشقیله یانیر گوزلری،

اوخ کیمی قلبیمه باتدی سوزلری.

دوزو بیلمه میشم هیچ بو گونه جن

طن کلمه سینین معناسینی من.

دوغرودان، وطنسیز نه قیرت، نه آر،

وطنسیز کیم اولوب گوره ن بختیار؟»

اوتدوکجه فصللر اوتدوکجه ایللر،

دویوشه قوشولدو نئچه نصللر

ایزدهام بورودو کندی، شهری،

اعتراض سسلری گزدی هر یری.

مرضیه دئیرک جوشدو ایزدهام.

چایا، سئله دونوب داشدی ایزدهام.

یومروقلار امید تک قالخدی یوخاری،

شاه قوشون یریتدی اونلارا ساری.

مین جوره حيله یه ال آتسا دا او،

«ائوین زندانی» نی یاراتسا دا او
خالقی قورخوتمادی نه رندان، نه قان،
جالاندی، قاریشدی عصیانا، عصیان.

هله اویانمیش گونش بیر سحر،

بیزیم مرضیه نی آزاد ائتدیلر.

ینه اولکی تک بویوک فرحله

یاخین دوستلاریبلا وئریبلر ال - اله،

ینه ئون سیرادا گئتدی مرضیه.

ینه آرزوسونا بتدی مرضیه.

آرزوسو دویوشمک، ینه دویوشدور،

آرزوسو دشمنه قارشی یوروشدور.

دویوشسوز کئچمه دی اونون بیر گونو

او، بئله یاشادی بوتون عمر ونو.

گوللر بزینده باغچانی، باغی،

یاخین دوستلاریبلا بیر سحر چاغی،

دشمنله اوز - اوزه گلدی مرضیه،

دشمن اونو گوروب دوشدو لرزیه.

نئچه شاه نوکری یره سریلدی

اونو دا دوشوندن بیر گول له دیدی.

بو دویوش اونونچون سون دویوش اولدو،

بو یوروش اونونچون سون یوروش اولدو،

بو گوروش ابدی بیر گوروش اولدو

سوسدو آرزولارلا دولو بیر اوره ک،

سپلندی یره نار دنه سی تک.

باسیب سازی سینه سینه

- سندن دئسین آشیقلاریم

مرضیه!

قاتیب سنی نغمه سینه

سندن دئسین آشیقلاریم

مرضیه!

آرخان اولدو دوغما وطن،
مبارزه سعادتین.

عمرن بویو دوین اولدون
قایسینی حقیقتین.

یاشینلارین زر - خار ایا
بوروننده،

مجلسلرده گوروننده

سن دویوشده، یوروشلرده
گورونموسن،

گیریب خالقین اوره بینه
اوره کلرده گورونموسن

مرضیه!

ئوز عشقینه مسلکینه

اینانمیشان مرضیه!

سن بو یولدا قیزیل قانا

بویانمیشان مرضیه!

سن سوسمادین، سوسامازدین،

ئوز آدینی قیزیل خطله

تاریخیمه ئوزون یازدین

مرضیه!

اپیلوق عوضی

اسکو ماهالیندا بیر باغ سالمیشیق،

«مرضیه باغی» دیر بو باغین آدی.

بو گنجه یانیندا قوناق قالمیشیق،

سن ای یوردوموزون فخری ئولادی.

«مرضیه باغی» دیر بو باغین آدی.

حیکلین دایانیب توفنگ الینده،

بو گورکم نئجه ده یاراشیر سنه.

ائله بیل بو گنجه دوغما ائلینده،
اولدوزلار آخاراق قاریشیر سنه.
بو گورکم نئجه ده یاراشیر سنه.

حاشیه

اونو دفن ائله دی ئوز یولداشلاری.

اونو دفن ائله دی سلاحداشلاری.

اونو دفن اتدیله ایگید ار کیمی،

بیر سرکرده کیمی، بیر اسگر کیمی.

اسدی بو خیردن بوتون داغ، دره،

بنووشه آغلادی، نرگیز آغلادی.

یایلدی بو خیر کنده، شهره

تهران فغان اتدی، تبریز آغلادی.

اونا دوروموزون هجری دئیک؟

یوخسا بابکیمین خنجری دئیک؟

او گلین اولمادی گلینلر کیمی،

اونون بو نسیگیلی اوزدو قلبیمی.

او، آنا اولمادی آنالار کیمی،

سئوگی چشمه سینده، سئوگی گولونده

او چیمه بیلمه دی سونالار کیمی.

نه انلیک، نه کیرشان گورمه دی اوزو

آزادلیق سعادت اولدو الک سوزو.

ایگیدلر گوزونده اولدو ایلک سوزو.

ایگیدلر گوزونده فرحادا دوندو،

اوشاقلار بیر شیرین اولادا دوندو.

سن منیم فخریمسن دای بیلسین ائلر،

عرونو، گونونو، چکدیلر دارا.

سنین قیز سینه نه دئشدی گول له لر،

عشق اولسون، عشق اولسون قهرمانلارا!

عارف صفا

۱۹۸۲

**پیش شرط استقرار دمکراسی واقعی در ایران احقاق
حقوق ملل و اقوام تشکیل دهنده کشور می باشد**

نامه اعتراضی کارگران آهنگری تراکتورسازی تبریز

در شرکت آهنگری مشغول بکار شده اند و از بدو اکنون ما کارگران آهنگری تراکتورسازی نه توان و مسئولانی که همیشه از عدالت در جمهوری اسلامی دم می زنند بهتر است بدانند که در این نظام ناعدالتی کامل برقرار است چرا که در این نظام نه نظارتی هست و نه عدالتی، این نظام روش پرورش ظالم را در پیش گرفته است و ظالمانه مردم را کنترل می کند، خصوصاً قشر کارگری در همه جای ایران عزیزمان.

کارگران در ایران با این اندیشه می خوابند که صبح حکم اخراجشان خواهد آمد. آیا کارگران که قشر زحمت کش هستند همیشه باید در اضطراب و استرس زندگی کنند؟ باید همیشه شرمنده خانواده هایشان باشند؟

ما کارگران، بعد از رحمت خدای منان و بزرگ، چشم امیدمان به شما رسانه های معزز می باشد تا صدای ما را در این خفگان به گوش مسئولان و همه دنیا برسانید تا پرده ای دیگر از جنایات فاسدین بر داشته شود.

با تشکر - عده ای از کارگران شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز

کارگران شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز بدنبال اعتراضات اخیر خود و بی توجهی مسئولان به مشکلات پیش آمده از سوی مدیریت این واحد، نامه ای سرگشاده را به شرح ذیل تهیه و جهت انتشار در اختیار رهسا نیوز قرار دادند.

آنان در قسمتی از نوشتار خود با انتقاد از سرهنگ محمدپور (مدیریت این واحد) نوشته اند: "مسئولانی که همیشه از عدالت در جمهوری اسلامی دم می زنند بهتر است بدانند که در این نظام ناعدالتی کامل برقرار است چرا که در این نظام نه نظارتی هست و نه عدالتی، این نظام روش پرورش ظالم را در پیش گرفته است و ظالمانه مردم را کنترل می کند، خصوصاً قشر کارگری در همه جای ایران عزیزمان".

متن کامل این نامه بشرح زیر است:

با سلام

مدتی است که شخصی پاسدار، از سپاه پاسداران بنام آقای سرهنگ محمد پرویزی که قبلاً هم چندین بار با لباس و فرم نظامی سپاه وارد کارخانه شده بود و برای بازدید و بازرسی از شرکت چندین بار مراجعت نموده بود، چند ماهی است که از بازنشستگی ایشان در سپاه گذشته است و ایشان رسماً

روحیه کار داریم و نه هیچ امنیت شغلی و فقط انتظار روز اخراجمان را می کشیم، این تهدیدها و قدرت طلبی ها بهمراه عدم پرداخت حقوق و مزایا باعث شده است که کارگران در خفگان و سکوت کار کنند و از ترس برخوردهای ظالمانه این سرهنگ بازنشسته هیچ حرفی برای احیای حقوق خود نزنند. ورود به شرکت تعداد ۱۰۰ نفر از کارگران را اخراج نموده اند و مابقی کارگران را در حالت رعب و وحشت و تهدید و انگشت نگاری تهدید نموده اند،

حساب بانکی ما:

Iranli Mohacirlar Camiyyati
Azerbaijan Republic
Kapital Bank, Branch: Yasamal 1
SWIFT: IIAZ2X
USD Accont: 33180018403302338103
Corr.Accont: 36089289
Citibank N.A./New York, USA
SWIFT: CITIUS33
EUR Accont: 33180019783302338103
Corr. Accont: 11347403
Citibank N.A./London

Azərbaycan qəzeti
5- ci dövr 100 - ci nömrə. MART2013
Baş redaktor. Əmirəli Lahrudi
www.adf-mk.az

باش رداكتور: اميرعلى لاهرودى
قزنت تحريريه هئيتى طرفيندن نشر اولونور
قزنتين آرتيريبي، ياييمي آزاددير
E- mail info @ adf - mk az